

و حفاظت از باران، قباى نمدى دراز و بدون آستینى دارند که دو زبانه کوچک به عنوان آستینهای کاذب در امتداد شانه‌های آن قرار دارد.

به علت عدم کنترل موالید اصولاً بعد خانوار در روستا بیش از شهرها است. از طرف دیگر چون فرد روستائی تولیدکننده است در بیشتر موارد ثروت هر خانواده در ارتباط با افزایش افراد آن بوده و معتقد هستند که هر خانواده افراد بیشتری داشته باشد ثروتمندتر می‌باشد. با در نظر گرفتن قدرت متوسط اقتصادى هر خانواده، امکان تهیه پوشاک کامل برای همه افراد وجود ندارد، به همین دلیل بچه‌های کوچک تقریباً تا ۱۰ سال فقط پیراهنى بر تن دارند و اغلب تکه‌ای پارچه یا طناب بر روی آن می‌بندند و اکثر آنان پابرهنه‌اند.

پیراهن دختران از پارچه‌های رنگی و پیراهن پسران از پارچه تیره است. حتی در زمستانهای سرد و سخت اغلب همین پیراهن مورد استفاده قرار می‌گیرد. عقیده خاصی بین اکثریت روستائیان به ویژه در غرب کردستان وجود دارد، بدین ترتیب که برای پرورش صحیح بچه و آمادگی او جهت مبارزه با مشکلات موجود، نباید از حداکثر امکانات خانواده استفاده شود. او را پابرهنه و بدون لباس کامل پرورش می‌دهند و از حداکثر نیروی او در پیشرفت کارها استفاده می‌کنند. نگارنده بارها به کودکانی برخورد کرده است که همراه چوپانان و کارگران با لباس پاره و پای برهنه به صحرا رفته است درحالیکه خانواده آنان از امکانات فراوانی بهرمند بوده‌اند. علت آنرا میتوان به آسانی در فلسفه فوق جستجو نمود. به تدریج که سن کودکان افزایش می‌یابد لباس آنان کاملتر و بهتر می‌شود.

مساکن روستائی

۱- پراکندگی روستاها: با توجه به نقش عوامل طبیعی در پراکندگی جمعیت در سراسر ایران، با وجودیکه میزان حداقل متوسط باران سالیانه در منطقه مورد تحقیق بیش از ۳۰ میلیمتر در سال و امکان کشت دیم به خوبی میسر

است، اما نقش آب در پراکندگی مراکز جمعیت در این منطقه نیز به خوبی مشهود و پراکندگی روستاها در ارتباط نزدیک و مستقیم با وجود آب به شکل جاری یا نفوذی است و هر جا که آب وجود داشته باشد روستاها و مزارع گسترده شده‌اند. وجود عوامل طبیعی مساعد (آب، خاک، شکل ناهمواری و...) و کمبود عوامل نامساعد مسبب تراکم روستاها در منطقه شده به طوری که اغلب در فواصل کوتاه روستاهای پرجمعیت و آبادی مستقر شده‌اند. درحالی که در داخل فلات به سمت مرکز، مشرق و جنوب ایران به علت محدودیت عوامل مساعد طبیعی و افزایش عوامل نامساعد، فواصل روستاها زیاد شده و به ده‌ها کیلومتر می‌رسد، (مشکل بزرگی که بدون شک مانع پیشرفت سریع اصلاحات لازم در روستاها خواهد شد).

بنابراین با یک مراجعه ساده به نقشه شبکه آبهای روان نحوه گسترش روستاها در منطقه مورد تحقیق به خوبی روشن خواهد شد. فراوانی و تراکم شاخه‌های اصلی و فرعی رود قزل‌اوزن به ویژه شاخه‌های اصلی و دائمی، تراکم روستاها را در مناطق مشخص به خوبی توجیه می‌کند. با وجودیکه قسمت عظیم منطقه از نظر شکل ناهمواری برای گسترش روستاها مناسب است اما اکثر مراکز جمعیت داخل دره‌ها و در کنار رودخانه‌ها بنا شده‌اند. در بحث زمین‌شناسی راجع به طبقات سطحی آبدار به طور مفصل صحبت شده است. لذا خارج از بستر رودها (اعم از دائمی یا فصلی) گسترش روستاها در ارتباط با آبهای نفوذی است که در درجه اول بر روی مخروط‌های افکنه پای کوه (جنوب شهرستان قروه) و در درجه بعد به طور پراکنده بر پهنه دشتها، جایی که لایه‌های کنگلومرانی وجود دارد و دسترسی به آب آسان است قرار دارند. شکل ناهمواری محل در گسترش شکل روستا دخالت تام دارد به طوری که روستاهای داخل دره‌ها اصولاً در امتداد رودها و روستاهای پایکوه و دشتها بدور هم متمرکزاند

هر جا که بستر رود پهن‌تر و شیب زمین ملایم‌تر است روستاهای دره‌ای شکل روستاهای پایکوهی را به خود می‌گیرند (خسروآباد در جنوب بیجار). هر

جاشیب هاتندتر و بستر تنگ تر بوده ولی امکان استفاده از آب وجود داشته است، روستاها بر دامنه‌ها به شکل مطابق توسعه یافته‌اند. به طوریکه پشت بام یک خانه، حیاط خانه دیگر است (روستای سیرعلیا: دیواندره). هنگامیکه روستا در کنار شاخه‌های اصلی استقرار یافته، برای احتراز از طغیان رودها در فصل پر آبی، خانه‌ها بر سطح میانابهای شاخه‌های فرعی بنا می‌شوند و در این صورت داخل روستا تپه‌ماهورهای متعددی وجود خواهد داشت و گسترش روستا بیش از حد معمول خواهد بود (روستای چشمه منتش: شمال شهرستان قروه). داخل دره‌های اصلی و فرعی، جائیکه پادگان‌های آبرفتی گسترش نسبتاً زیادی دارند مناسب‌ترین محل جهت رشد روستاهای دره‌ای است. چون شکل هموار پادگان، امکان گسترش مساکن را فراهم ساخته و ارتفاع آن نسبت به بستر طغیان، روستا را از خطر سیلاب حفظ می‌کند. زمین‌های زراعتی وسیع و دسترسی به آب وسیله نهرهای انحرافی و تلمبه‌های موتوری بسیار آسان است. بیشتر روستاهائی که در داخل دره‌های قزل اوزن شور، تروال و ویل کشتی قرار دارند از چنین امکاناتی بهره‌مند می‌باشند. روستاهائی که در کنار خطوط اصلی ارتباطی منطقه قرار دارند، در دو طرف جاده به شکل نواری گسترده شده‌اند و اغلب به خاطر همین موقعیت نسبت به روستاهای مشابه خود که دورتر از خطوط اصلی هستند توسعه سریعتری دارند.

۲- شکل روستا

اصولاً خانه‌های یک واحد روستائی در بیشتر موارد به شکل متمرکز ساخته شده و کوچه‌های باریک و پرپیچ و خمی در جهات مختلف راه ارتباطی را تشکیل می‌دهند. در چنین شرایطی در هر ده، مقابل خانه کدخدا یا احتمالاً مالک سابق، میدان وسیعی قرار دارد که در موارد لزوم روستائیان در آن اجتماع می‌نمایند. اغلب به علت شکل ناهمواری محلی و یا در مواردی تعدد مالکین سابق، روستا به چند محله مجزا تقسیم شده که در این صورت هر محله نام جداگانه‌ای خواهد داشت. این نوع پراکندگی بسیار کم و تنها در صورتیکه روستا در طرفین یک

رودخانه و یا در داخل شعبات فرعی رودخانه‌ها در محل اتصال به رود اصلی بنا شده باشد به چشم می‌خورد.

طبق یک سنت محلی بیشتر اوقات خانه کدخدا که بزرگتر و زیباتر از سایر خانه‌ها است در مرکز ده قرار دارد و سایر منازل به‌طور پراکنده در اطراف آن ساخته می‌شوند، اما همیشه این سنت رعایت نشده است. با وجودیکه اکثر منازل جهت جنوبی دارند اما با توجه به موقع آنها نسبت به کوچه، در سایر جهات نیز بنا شده‌اند. در مقابل هر منزل محوطه نسبتاً بازی جهت انباشتن فضولات حیوانی و خاکستر مواد سوختنی وجود دارد و اگر کمی دقت شود در سراسر ده تپه‌هایی از این مواد به چشم می‌خورد که محل بازی کودکان روستا است. با توجه به شکل ناهمواری محل، ممکن است منازل فشرده و بهم چسبیده با کوچه‌های تنگ و یا در فضای وسیع‌تری دور از هم هر چند منزل یک واحد مستقل تشکیل دهند. بسته به اینکه روستا دره‌ای، پایکوهی و یا بر سطح دشتهای قرار داشته باشد، شکل پراکندگی منازل متفاوت خواهد بود. در روستاهای دره‌ای به علت شیب زمین و فقدان فضای لازم، فضولات حیوانی و خاکستر مواد سوختنی دورتر از منازل و در خارج روستا انباشته می‌شود، در اینصورت شکل پراکندگی بناها با روستاهای دشتی متفاوت خواهد بود. در روستاهای دشتی به علت فراوانی زمین هموار فاصله خانه‌ها بیشتر، کوچه‌ها وسیع‌تر و اغلب جلو هر خانه فضای وسیعی جهت انجام کارهای روزانه وجود دارد و هر روستائی تمام احتیاجات خود را دور هم متمرکز می‌سازد. اغلب در اینگونه موارد از یک فضای وسیع چندین خانوار استفاده می‌نمایند. از لحاظ تراکم، خانه‌های روستای پایکوهی حد واسطی بین روستاهای دشتی و روستاهای دره‌ای است.

تعداد اطاقها در ارتباط با وضع اقتصادی خانوار روستائی است و جسرذر موارد استثناء، ساختمانها شباهت بسیار زیادی به هم دارند. بیشتر از ۹۰ درصد مساکن یک طبقه است اما بندرت در مورد دو اطاق مجاور و متعلق بیک روستائی

پشت بامها ممکن است در یک سطح قرار گرفته باشند. علت آن به احتمال زیاد بنای جداگانه هر اطاق است. بدین ترتیب، هر وقت روستائی از لحاظ مسکن در مضیقه بوده به ساختمان اطاق دیگری اقدام نموده است. در نیمه غربی منطقه مورد تحقیق چه در شهرستانهای قروه و بیجار و چه در بخش دیواندره علاوه بر خانه‌ها، بناهای گنبدی و مخروطی شکلی به‌طور پراکنده در اطراف منازل بچشم می‌خورد که یا انبار مصالح سوختنی و علوفه و یا گنبد حفره‌هائی است که بنام زاغه جهت نگهداری دامها ایجاد شده است.

در شرایط عادی نواری از فضای سبز به‌ویژه در روستاهای دره‌ای و پایکوهی دهکده را در میان گرفته است و از هر طرف که به دهکده وارد شویم اجباراً از کوچه باغهای تنگی که وسیله دیوارهای کوتسایه گلی ساخته شده، می‌گذریم. تمام مزارع و باغها در اطراف بلافصل ده قرار داشته و کشیدگی آنها در جهت رودخانه و یا در پایکوهها در جهت دره‌هائی است که روستا در پای آن استقرار یافته است. گاهی موارد استثنائی نیز مشاهده می‌شود: مثلاً روستای قشلاخ نوروز در اوزن دره در جنوب شهرستان بیجار که حتی فاقد یک درخت است. ظاهراً جز کمی آب و عدم توجه ساکنین نمی‌توان دلیل دیگری برای آن در نظر گرفت. در روستاهای دشتی باغها و مزارع در نقاطی قرار دارند که دسترسی به آب آسان بوده و به‌طور طبیعی چشمه یا چشمه‌هائی وجود داشته باشند.

اماکن عمومی مانند مسجد، حمام، مدرسه به‌طور کلی در خارج روستا بنا شده و سبک بنا و مصالح ساختمانی آنها حتی اگر وسیله خيود روستائیان ساخته شده باشد با ساختمانهای روستائی تفاوت دارد. در طول کوچه‌ها با توجه به جمعیت روستا اغلب یک یا چند کان وجود دارد که مایحتاج ضروری روستائیان را فراهم می‌سازد. مستراحها گاهی در محوطه آبادی به‌طور مستقل، زمانی در داخل منازل و گاهی فقط در کنار مساجد ساخته شده‌اند. نفوذ کشاورزی مکانیزه در روستاها، واحدهای محدود ولی جدیدی به ساکنان افزوده که بعنوان

گاراژ و یا احتمالاً تعمیرگاه مورد استفاده است و در حال حاضر در کمترین روستائی است که یک یا چند وسیله نقلیه سواری و یا کشاورزی وجود نداشته باشد. بطور کلی چهره عمومی یک دهکده را در منطقه مورد تحقیق می‌توان بشرح زیر توصیف نمود:

ساختمانهای گلی نامنظم با سقف ناهموار و بیشتر یک طبقه با کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ که در بیشتر موارد نوار سبزی آنرا احاطه نموده و در گوشه و کنار ده وسائل کشاورزی جدید کم و بیش به چشم می‌خورد.

سبک بنا - خانه‌های سنتی در روستاهای ایران صرفنظر از اختلافاتی که شرایط اقلیمی هر منطقه در شکل ظاهری آنها بوجود آورده است تقریباً به ساده‌ترین صورت ممکن ساخته شده و در طول قرون به دلایل زیادی تغییرات چندانی در آنها به وجود نیامده است. منطقه مورد تحقیق نیز همانند سایر مناطق، تحت تأثیر سنت‌های گذشته و شرایط اقلیمی حاکم بر منطقه، با ایجاد یک چهاردیواری جهت سکونت و سقفی که آنان را از سرمای زمستان و گرمای تابستان محفوظ بدارد اکتفا کرده است. با توجه به نوع احتیاج و در قالب امکانات موجود به تعداد این چهار دیواری‌ها افزوده و واحد مستقلی به نام خانه برای خود به وجود آورده است. چون زندگی روستائی متکی به کشاورزی و دامداری است بنابراین گسترش و تکمیل منازل اجباراً در جهت رفع احتیاجات صنفی او بوده و ایجاد پناهگاه برای دام‌ها و انبار جهت غذا و علوفه به آن افزوده شده است. مسکن روستائی را می‌توان به دو دسته انسانی و حیوانی تقسیم نمود که مشترکاً واحد مستقلی به وجود آورده و عوامل متعددی ضرورت این پیوستگی را توجیه می‌نمایند. جز در موارد استثناء اصولاً تمام مسکن حیاط دارند. فقط هنگامیکه زارع فاقد دام بوده و یا از نظر اقتصادی در سطح پائینی قرار گرفته باشد درب اطاقها به‌طور مستقیم به کوچه باز می‌شود. به استثنای ساختمانهای جدیدی که وسیله دولت و یا مالکین سابق در روستا ساخته شده، نفوذ معماری

شهری بسیار ناچیز و قابل چشم‌پوشی است. البته همیشه و همه‌جا موارد استثنائی وجود دارد که به آن اشاره خواهد شد.

الف - مساکن انسانی - صرفنظر از اختلافات جزئی که سلیقه شخصی عامل

اصلی آنست، اصولاً مساکن روستائی را به دو دسته متمایز می‌توان تقسیم کرد:

۱ - مساکنی که درب ورودی به حیاط باز شده و در یک یا چند طرف

حیاط اطاقها قرار دارند .

۲ - مساکنی که درب ورودی از طریق راهرو تنگ و سرپوشیده‌ای به

حیاط داخل می‌شود که در اینصورت اغلب طبقه دومی برفراز راهرو ساخته شده و اطاقهای هم کف در اطراف حیاط پراکنده هستند.

چون به دلایل اقتصادی خود روستائی سازنده مساکن است بنابراین کمتر

اثری از اصول معماری در آن به چشم می‌خورد. هرچند که در هر روستا ممکن است

یک یا چند نفر محلی تخصصی در اینکار داشته و تا حدودی از بانی اولیه خانه سازی

اطلاع داشته باشند؛ اما به ندرت یک روستائی می‌تواند و یا می‌خواهد در مقابل

پول از کمک و همسکاری آنان استفاده کند. به همین دلیل اغلب دیوارها کج

و نامنظم و در داخل اطاقها برآمدگی‌های بی‌قواره‌ای روی دیوارها به چشم

می‌خورد. سقف منازل کوتاه و حتی ارتفاع آن ممکن است از یک گوشه تا گوشه

دیگر اطاق متفاوت باشد. به طور متوسط هر خانوار روستائی حداقل دارای ۲ اطاق

نشیمن یک انبار و یک اطاقک در انتهای اطاق نشیمن عمومی است. اما با توجه به

وضع اقتصادی و تعداد افراد وجود ۲ یا چند خانوار در یک منزل، ممکن است تعداد

اطاقهای لازم به نسبت افزایش یابد. در شرایط عمومی و بدون توجه به تعداد

اطاقها خصوصیات مشترکی در آنها وجود دارد که گاهی در منطقه‌ای محدود زمانی

شاید در سراسر منطقه رعایت شده است. داشتن اطاق در طبقه دوم نشانه تشخیص

است و بدون استثناء این اطاق محل پذیرائی از مهمانان داخلی و خارجی می‌باشد

و سعی شده است که در حد توانائی، از لحاظ وسعت، شکل و وسائل داخلی آن نهایت

دقت بکار رفته باشد. این اطاق بنام دیواخان^۱ مشهور است. گویانکه دیواخان طبقه دوم در سراسر منطقه مورد تحقیق به طور پراکنده ساخته شده، اما بیشتر در شهرستانهای قروه و بیجار به مشاهده می‌شوند. پله باریک و تنگی از طریق راهرو و یا از داخل حیاط، ارتباط دیواخان را فراهم می‌سازد و اغلب قبل از ورود به اطاق پذیرائی راهرو کوچکی در انتهای پله و مجساور دیواخان ساخته‌اند که به عنوان کنش کن مورد استفاده است. اغلب در جلو اطاقهای طبقه دوم به سمت کوچه و یا داخل حیاط، طارمی باریک و سقف داری وجود دارد. در ساختمانهای یک طبقه دیواخان بارعایت شرایط بالا در گوشه‌ای از حیاط قرار دارد که به درب ورودی ساختمان نزدیک باشد و اغلب بعد از اطاق نشیمن بزرگترین چهار دیواری موجود در آن واحد ساختمانی است. دارای طاقچه‌هایی است که در آن وسائل زینتی چیده شده و محل بخاری در وسط اطاق و زیر فرش کاملاً نمایان است.

اطاق نشیمن عمومی، اطاقی است که وسعت آن در ارتباط با تعداد افراد خانواده می‌باشد و به همین جهت گاهی از دیواخان ممکن است بزرگتر باشد. وسائل ضروری زندگی مانند صندوقچه جعبه و وسائل خواب و... در گوشه‌ای از اطاق قرار دارد و تقریباً در وسط آن بدون استثناء تنوری کار گذاشته شده است. اگر اطاق بزرگ باشد یک ستون چوبی ضخیم به عنوان شمعک در وسط آن به چشم می‌خورد. در اطاق نشیمن نیز حفره‌ها و طاقچه‌هایی در بدنه دیوارها وجود دارد که اغلب بدون شکل و در آن اشیاء ضروری زندگی روزانه به طور نامنظم چیده شده است. اصطلاح عمومی در مورد اطاق نشیمن مال^۲ است. همه جا در انتهای مال اطاقک کوچکی قرار دارد که محل نگاهداری ذخائر غذایی اعم از غلات، حبوبات و لبنیات می‌باشد. این اطاقک بن مالی^۳ نام دارد و در داخل آن از خاک رس

Divākhān - ۱

Ben māli - ۲

Māl - ۲

تقریباً خالص انباریهای سرباز و استوانه شکل نامنظمی به ارتفاع ۱/۵ تا ۲ متر و قطر تقریبی ۱ تا ۱/۵ متر درست کرده و گاهی نقش‌هایی با گل بر روی بدنه آن ایجاد کرده‌اند. این انباریها در محل، کنوا نامیده می‌شود و مایحتاج غذایی را در آن انبار می‌کنند. در پائین کنو سوراخ دایره‌شکل کوچکی وجود دارد که از آن احتیاجات روزانه را خارج ساخته و سپس سوراخ را با تکه‌ای از پارچه‌های مستعمل مسدود می‌سازند. غلات و حبوبات قبلاً از بالای کنو در آن ریخته می‌شود و چون هیچ مانعی بین سقف اطاق و کنو وجود ندارد بدون شک اجسام خارجی که از سقف ریزش کند همراه آذوقه مصرف خواهند شد؟ (کنوها به ندرت دارای سرپوش می‌باشند) غیر از کنوها در این اطاقک خمره‌های بزرگ و کوچک متعددی وجود دارند که محل نگاهداری دوغ، ماست، شیر، پنیر، کره، و روغن و... است. چهارمین اطاق موجود انبار است که وضع آشفته‌ای دارد و از هر نوع وسیله زندگی مربوط به انسان و یا حیوان، نو یا اسقاط به طور پراکنده‌ای به چشم می‌خورد. در بخش دیواندره خمره‌های محتوی ذخیره لبنیات در این انبارها قرار دارد و به همین مناسبت در نظافت و نظیم و سائل داخل آن دقت بیشتری می‌شود. انبار قاعدتاً در انتهای ساختمان و در حد فاصل مساکن انسانی و پناهگاه دامها قرار دارد. موقع اطاقها ممکن است از یک منزل به منزل دیگر یا از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر متفاوت و متغیر باشد. درب اطاقهای پذیرائی و نشیمن ممکن است به‌طور مستقیم به داخل حیاط باز شده و یا از طریق راهرو تنگ و کوچکی که بین این دو اطاق قرار دارد و معمولاً مدخل عبور دامهاست به آن دسترسی داشت. همانطور که قبلاً یادآوری شد بسته به احتیاجات خانواده ممکن است اطاقهای دیگری نیز وجود داشته باشد.

سقف اطاقها اصولاً کوتاه و منفذ کوچکی جهت خروج دود و تهویه در آن تعبیه شده است. منافذ خارجی مانند درب و پنجره در منازل سنتی بسیار کم است به‌طوری‌که در شدت خورشید اطاقها به ویژه اگر به راهرو متصل باشند نیمه تاریک است. بجه

استثنای دیوار حیاط سایر دیوارها بسیار ضخیم بنامی شوند تا ساکنین را از ورودت سرمای زمستان و شدت گرمای تابستان محفوظ نگاهدارد.

از دیگر خصوصیات مشترک مسکن روستائی در منطقه مورد تحقیق وجود حیاط وسیع و سکوی داخل آنست. وسعت حیاط در ارتباط نزدیک با تعداد دامهاست. اغلب سراسر حیاط در تمام طول شبهای تابستان و فصول نیمه گرم در اختیار دامها قرار دارد و محل استراحت شبانه آنهاست و ساکنین برای خارج یا داخل شدن ناچار به عبور از بین آنها می باشند. گاهی حیاط را وسیله دیوار گلی کوتاهی به دو قسمت نموده که قسمت انتهائی محل استراحت دامها و قسمت مقدماتی حیاط همیشه جهت استفاده ساکنین آزاد است. گاهی در طرفین درب ورودی حیاط سکوهای کوچکی ساخته می شود. به ندرت دامها را در خارج، اما مجاور منزل در محوطه ای که باشاخه درختان محصور شده نگاه می دارند. شکل حیاطها تقریباً نامنظم اما بیشتر مربع یا مستطیل است. مجاور یکی از دیوارهای حیاط یک چهار دیواری بدون سقف و یا مسقف وجود دارد که وسیله دریچه ای به حیاط مربوط می شود. این چهار دیواری، انبار علوفه روستائی است که بعداً درباره آن صحبت خواهد شد. آخرین خصوصیت مشترک مسکن روستائی وجود سکوی کم و بیش وسیعی است که در فصول گرم و نیمه گرم محل استراحت شبانه خانواده و تهیه نان و غذای روزانه است. سکو در دو محل مشخص ساخته می شود:

- ۱- اگر درب ورودی منزل از طریق راهرو به حیاط متصل شود حتماً سکو در یکی از دو طرف راهرو ساخته شده و تنوری در مرکز آن نصب شده است. وسعت سکو در این شرایط محدود و مسقف است و در روزهای گرم تابستان محل استراحت و صرف غذای روزانه می باشد. اغلب داخل راهرو در مقابل سکو انبار کوچکی وجود دارد که یا وسائل کشاورزی در آن انباشته شده و یا دامهائی که به علتی همراه گله به چرانرفته اند در آن نگاهداری می شوند. کوزه های آب و کیسه های دوغ به علت وجود کوران در این راهرو قرار دارند.

۲- در شرایطی که درب ورودی به حیاط باز شود، سکو در گوشه ای از حیاط و

چسبیده به اطاقها درست شده که به طور تقریب نیم الی یکمتر بالاتر از کف حیاط و دیوارگلی کم ارتفاعی برای جلوگیری از دخول دامها در جلو آن کشیده شده است. راه ورودی باریکی با چند پله سکورا به حیاط متصل می‌سازد و در وسط آن تنوری قرار دارد. اغلب سکورا از دو یاسه طرف وسیله دیوار اطاقها و حیاط محصور است و گاهی وسیله تیرهای چوبی و شاخ و برگ درختان سایبانی بر آن می‌سازند. سکورا محل پختن نان و تهیه غذا و استراحت خانواده در فصول مساعد می‌باشد. هنگام گرم شدن هوا چون امکان استراحت شبانه در اطاقهای تقریباً بسته و کم‌منفذ سنتی وجود ندارد از طرف دیگر به علت تعصب حاکم بر منطقه، خوابیدن بر پشت بام (بی‌عصمتی است) بنابراین سکورا محل ایده‌آلی است که خانواده راهنگام خوابیدن از انظسار دیگران محفوظ داشته و از هوای ملایم شبانگاهی نیز استفاده نموده‌اند.

یکی دیگر از اجزاء ساختمان در روستاهای منطقه مستراح است که وجود آن الزامی نبوده و بسته به مناطق مختلف پراکنندگی و موقع آن نسبت به مسکن متفاوت می‌باشد. این امکان وجود دارد که همه خانواده‌ها دارای مستراح نباشند اما در مجموع اکثریت روستائیان به طور اختصاصی به ساختمان آن اقدام می‌کنند. در مواردی که خانواده روستائی فاقد مستراح است از توالت‌های عمومی که حتماً در جوار مساجد بنا شده است استفاده می‌نمایند. این شرایط در سراسر منطقه مورد تحقیق یکسان نیست و بسته به هر ناحیه صور مختلفی دارد که ذیلاً به آن اشاره می‌شود. به طور اعم در روستاهای مجاور شهرها و بخصوص در مشرق منطقه، هر خانوار روستائی در داخل حیاط و یا مجاور منزل مستراح مخصوص به خود دارد که سرپوشیده و اغلب درب چوبی دارد. هر اندازه که به مغرب نزدیک شویم، مستراح دور از ساختمان محل سکونت و در نقاط باز روستا به طور پراکنده بنا شده و شامل چهار دیواری ساده‌ایست که اغلب فاقد سقف می‌باشد. چه مستراح وابسته به مسکن و چه در فضاهای باز ساخته شده باشد در بیشتر موارد دارای چاهک بوده و به ندرت مظهر چاهک در سطح آفتابی شده است. مستراحهایی که بطور جداگانه و دور

از ساختمانهای محل سکونت ساخته شده در مغرب شهرستانهای بیجار و قروه فراوان است، گویانکه در این مناطق ممکن است در داخل منازل نیز مستراح بنا شده باشد. مورد سوم که شامل مستراحهای عمومی است بیشتر در بخش دیوانسدره و مغرب شهرستانهای بیجار و قروه دیده می شود. در این مناطق بدون استثناء مستراحهای متعدد در مجاور مساجد، یا خانقاه ها ساخته شده است. هنگام تجدید بنای بعضی از ساختمانها، محلی برای مستراح نیز در نظر گرفته می شود. بسته به وسعت روستا ممکن است یک یا چند مسجد وجود داشته باشد. چون مستراحهای عمومی فقط مخصوص مردان است بنابراین به طور پراکنده در سراسر آبادی مستراحهای دیگری وجود دارد که به خانوار خاصی تعلق نداشته و بیشتر مورد استفاده زنان قسرار می گیرد. مجرای فاضل آب مستراحهای عمومی که در کنار دهکده قرار دارد به مزارع ختم می شود و از نظر بهداشتی قابل مقایسه با مستراحهای شرقی و مرکزی منطقه مورد تحقیق نیست. رویهم رفته در سراسر منطقه در ساختمان مستراح و طریقه استفاده از آن رعایت بهداشت نشده است،

عدم تغییرات کلی در سبک بنا که در مقدمه این بحث به آن اشاره شده بود دلایل چندی دارد که در این مختصر به اهم آنها اشاره می شود. در نتیجه تماسهای مکرر با روستائیان و مذاکرات مفصلی که در این باره انجام شد عواملی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در عدم تغییر سبک بنا و مصالح ساختمانی دخالت داشته اند بشرح زیر بررسی می شوند.

۱- عدم مالکیت؛ تا قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی روستائیان به استثنای اموال منقول که اصولا بسیار ناچیز و محدود بود، از حق مالکیت بر اموال غیر منقول و مورد استفاده خود محروم بودند و در صورت اقتضا با کوچکترین اشاره مالک مجبور به ترك آن می شدند. مالک سابق، آب، زمین و مسکن در اختیار کشاورزی قرار می داد که دستورات او را کور کورانه اطاعت نموده و فقط در جهت منافع شخصی او اقدام نماید. بهمین دلیل یک خانوار روستائی که شاید چندین

نسب در یک روستا و یک منزل سکونت داشت می دانست که نه خانه مسکونی، نه زمین و نه آب مورد استفاده به او تعلق ندارد و هرآن بااراده مالک از تمام این مزایا محروم می شد. بنابراین چگونه فرد روستائی حاضر بود از سهم ناچیز درآمد و نیروی انسانی خود به بصرف کاری برساند که تعلق به او ندارد و هرآن ممکن است آنرا از دست بدهد؟ عدم مالکیت قطعی کشاورز بزرگترین عامل عدم تغییر سبک بنادر روستاهای ایران به حساب می آمد. تنها هنگامیکه منزل مورد استفاده در شرف ویرانی بود به ترمیم آن می پرداخت و یا بسته به احتیاجات خانواده و به دستور مالک گاهی یک یا چند اتاق با کمترین هزینه به آن می افزود. اغلب اتفاق می افتاد که سقف خانه‌ای در اثر قدمت بنا فرو ریزد و کشاورز کوچکترین اقدامی جهت ترمیم آن بعمل نیاورد. در چنین شرایطی روستائی سعی می کرد زندگی خود را با بقیه اطاقهای موجود نیمه ویران که بکمک شمعک‌های چوبی پرپای ایستاده بود تطبیق دهد. در سطح کلی روستاها، تنها قدرت مالکین، کشاورزان را مجبور به تعمیر و ترمیم مساکن می نمود و این شخص کشاورز کوچکترین علاقه‌ای به این کار نشان نمی داد. این سنت اثر اجتماعی نامناسبی در روستائیان بجای گذاشته که هنوز با وجود رفع علت کماکان عدم علاقه کشاورز به تغییر و ترمیم بناهای مسکونی مشهود است. هرچند که پس از اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی کشاورزان به تدریج با توجه به احساس مسئولیت و مالکیت شخصی علاقمند به تغییراتی در سبک بناهای موجود هستند اما دستور دولت در مورد عدم تجدید بنای ساختمانها قبل از تهیه طرح‌های جامع در سطح مملکت، مانع تغییرات کلی در روستاها شده است. اگرچه ممانعت دولت در تجدید بنای مساکن نگرانیهای در مردم ایجاد کرده است اما نگارنده هنگام صحبت با روستائیان به توجیه دلایل لزوم ایسـن محدودیت پرداخته و رعایت کامل آنرا از طرف روستائیان گوشزد نموده است. چون پیاده کردن طرح تجدید بنای روستاها با توجه به شرایط جغرافیای منطقه‌ای، برای دولت هزینه بسیار زیادی در بر خواهد داشت، لازم است در اینجا به نکته بسیار

مهمی اشاره شود که عدم رعایت آن ممکن است نتایج لازم را به بار نیاورد. همگی بیاد داریم که پس از زلزله های شدید سالهای گذشته مخصوصاً در اطراف قزوین و همدان و ساوه، ساختمانهای جدیدی در مجاور دهکده های ویران بنا شده و هزینه هنگفتی جهت ایجاد آن به مصرف رسیده است. ولی آیا روستائیان در این ساختمانهای جدید که از لحاظ سبک بنا و مصالح ساختمانی به مراتب بهتر از خانه های سنتی بود ساکن شدند؟ نگارنده به یاد دارد که در روزنامه ها و مجلات وقت به طور مفصل در این مورد بحث و گفتگو به عمل آمد و دلایل عدم علاقه کشاورز به سکونت در منازل جدید یادآوری شد. با وجودیکه ساختمانهای جدید مجانی به کشاورزان عرضه شده بود آنان به مرمت ساختمانهای ویران پرداختند و درصد اشخاصی که در مساکن جدید ساکن شدند انگشت شمار بودند. به همین دلیل قبل از اجرای چنین طرح بزرگ و پرخرجی باید مسائلی را که هنگام احداث مساکن در دهکده های زلزله زده به آن توجه نشده بود مورد بررسی دقیق قرارداد. مهمترین مسئله رعایت سنت های موجود اجتماعی با توجه به شرایط جغرافیائی محیط و عدم تغییر اساسی در سبک بناهایی است که نسلها در منطقه رایج بوده و کشاورزان به آن خو گرفته اند. قدر مسلم یک بنای معمولی شهری بایک کلبه محقر روستائی قابل مقایسه نیست. ولی اگر یک خانواده روستائی را با توجه به سن، عادات و اخلاق و سبک زندگی خاص او در یک ساختمان شهری سکونت دهیم، می تواند زندگی عادی خود را در شرایط جدید ادامه دهد؟ مسلماً جواب منفی است. بنابراین رعایت و بررسی دقیق این نکته باید در سرلوحه تمام اقدامات قرار گیرد و با توجه به اصول معماری جدید تا حد امکان تغییرات کلی در سبک بنا داده نشود و همزمان با بررسی و اجرای طرح، روستائیان را جهت مقابله با تغییرات احتمالی و لازم آماده ساخت.

مسئله مهم در این طرح، تغییرات اساسی و کلی در مصالح ساختمانی است که که ظاهراً به علت فقر نسبی، خود کشاورز به انجام آن موفق نشده است و با توجه به

امکانات موجود در آینده نزدیک نیز موفق نخواهد شد. به جای کلوخه و خشت و خاک از آجر و سنگ و سیمان در حد امکان استفاده شود و کشاورز به پذیرد که با وجود هزینه نسبتاً زیاد مصالح جدید، استفاده از آن به نفع او خواهد بود. هرچند که احساس مالکیت در کشاورز و ارتباط بیشتر با شهرنشینان به تدریج آمادگی بیشتری در آنان به وجود خواهد آورد. اما کوشش دولت باید در پذیرش هرچه بیشتر و سریعتر این آمادگی صورت گیرد.

۲- ناتوانی اقتصادی - عده زیادی از روستائیان جهت بهتر زیستن علاقمند به ترمیم و احداث ساختمانهای جدید می باشند. اما به علت فقر نسبی امکان استفاده از متخصص برای اکثریت آنان وجود نداشته است. بناچار خود روستائی در چنین شرایطی به تغییر و ترمیم ساختمان می پردازد و در نتیجه شکل بنا گاهی نه تنها بهبود نمی یابد بلکه در جهت قهقرائی سیر می کرده است. اغلب برای حداکثر استفاده از نیروی محدود انسانی یک خانواده، از نزدیکترین محل یعنی مجاورخانه گل، کلوخه و خشت تهیه می شد و بنابراین همزمان با بنای یک اتاق بی تواره چاله های زیادی در اطراف منزل به وجود می آمد و بر مشکلات عبور و مرور مردم می افزود.

۳- رعایت سنت های موجود - هر چند عده ای از روستائیان به علت وسعت مالی بیشتر امکان استفاده از متخصصین محلی را در اختیار دارند، اما رعایت سبک معماری محل از نظر صاحب کار و اطلاعات محدود متخصص در حد معماری معمول منطقه، منجر به بنای ساختمانهایی می شد که تنها اختلاف آن با سایر مساکن نظم هندسی و وسعت نسبی آن بود. اغلب دیوارخانه های طبقه دوم و طارمی های جلوان متعلق به این دسته از کشاورزان است که تقریباً در هر روستا محدود و انگشت شمار بودند.

۴- سیستم کار - نحوه کار و طرز تقسیم آن بین زن و مرد در منطقه مورد تحقیق

طوری است که روستائیان به ویژه مردان قسمت زیادی از وقت خود را خارج از منزل بسر می‌برند. با توجه به سنت‌های موجود، رویهمرفته زنان مسئولیت‌های بیشتری نسبت به مردان دارند. تمام کارهای داخلی خانه و حتی قسمتی از فعالیت‌های خارجی خانواده را زنان اداره می‌نمایند. به همین دلیل در تمام طول سال زنان به ندرت فرصتی جهت استراحت خواهند داشت تا به فکر تهیه وسایل آسایش، اِز جمله گسترش و توسعه مساکن خود باشند. مردان روستا با توجه به نحوه تقسیم کار تقریباً در فصول بهار، تابستان و پاییز جهت انجام کارهای کشاورزی قبل از طلوع آفتاب دهکده را ترک گفته و شبانگاه خسته و کوفته به منزل بازمی‌گردند. فصل استراحت مردان تمام زمستان و اوائل بهار است. در این مدت صرف نظر از انجام کارهای جزئی در خانواده بیشتر اوقات در مساجد و در صورت مساعد بودن هوا در داخل روستا دورهم جمع شده و فقط جهت صرف غذا و استراحت شبانه به منزل بازمی‌گردند. بنابراین خانه روستائی فقط پناهگاهی جهت استراحت شبانه است و روستائیان الزامی در توسعه و بهبود آن نمی‌بینند.

ب - پناهگاه دامها - چون زندگی روستائی متکی به زراعت و دامداری است ناچار وابستگی کشاورز به دام‌امری طبیعی به نظر می‌رسد. اما در روستاهای منطقه علاوه بر وظائف صنفی؛ شرایط محلی گاهی وابستگی پیش از بیش ایندورا سبب شده و ادغام مساکن انسانی و پناهگاه دامها را فراهم ساخته است. در مذاکراتی که با روستائیان انجام می‌شد اکثریت آنان لزوم تفکیک نسبی مساکن دامی و انسانی را تأیید می‌نمودند اما عملاً در شرایط فعلی امکان انجام آن برایشان مقدور نیست.

برای شناسائی انواع پناه‌گاهها و نحوه گسترش و وابستگی آنها به مساکن روستائی لازم است قبلاً به عوامل به وجود آورنده آن اشاره شود.

مهمترین عاملی که در تهیه نوع پناهگاه و وابستگی مستقیم آن به مساکن روستائی دخالت داشته، عدم امنیت در قرون گذشته بوده است. می‌دانیم که حتی در زمان بسط قدرت حکومت‌های مرکزی سیستم ملوک‌الطوایفی به ویژه در مناطق عشایری تسلط کامل داشته و نزاعهای قبیله‌ای آسایش و آرامش را در این مناطق از بین می‌برده است. منطقه مورد تحقیق یکی از مهمترین این کانونها بوده و حتی تا زمان اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی مردم از ایمنی کامل برخوردار نبوده‌اند. بنابراین طبیعی است وقتی که با توجه به شرایط جغرافیائی مناطق مختلف، قسمت مهمی از زندگی روستائی متکی بر دامداری است تا چه حد می‌بایست در حفظ و نگاهبانی از آن کوشا بوده و به نسبت امکانات خود در تهیه مساکن از لحاظ ایمنی دقت و توجه کرده باشند. به همین دلیل مسکن دامها می‌بایست نوعی تهیه شود که از گزند سارقین در امان بوده و برای اطمینان بیشتر راهرو ورودی یا خروجی را نیز در داخل مساکن خود تعبیه نمایند. علاوه بر وجود ایمنی کامل شرایط اقلیمی منطقه را نیز می‌بایست در نظر بگیرند. فصل طولانی زمستان با سرمای شدید، لزوم پناهگاههای گرم را توجیه می‌نماید، بهمین دلیل و شاید دلایل دیگر حفره‌های موجود در زیر زمین و مجاور خانه روستائی که در محل بنام زاغه^۱ مشهور است به وجود آمده‌اند. هر اندازه که به حاشیه شرقی کردستان نزدیک شویم به دلیل امنیت بیشتر، کم کم زاغه‌ها جای خود را به طویله‌های معمولی می‌دهند، بطوریکه در روستاهای شرقی شهرستانهای قروه و بیجار بندرت می‌توان اثری از زاغه یافت. علاوه بر ایسن، زاغه دامها را از حمله حیوانات وحشی از جمله گرگ که زمستانها تا داخل روستاها پیش می‌آیند مصون داشته و امکان دسترسی این حیوانات را به دامها به حداقل می‌رساند^۲.

۱- zāgheh

۲- بندرت به علت ویران شدن سقف زاغه گرگها به داخل آن راه می‌یابند. در این صورت فاجعه غیر قابل جبران است و کلیه دامهای موجود در آن حفره از بین می‌روند. البته این حادثه بسیار نادر اما اتفاق افتاده است.

زاغه حفره مخروطی شکل ناقصی است که رأس آن در سطح زمین قرار گرفته و مجاور کف، دورتادور، آغل مدوری در جدار آن تعبیه شده است. در دیواره زاغه اغلب یک یا دو راهرو وجود دارد که وسیله درب‌های یک‌لنگه (از شاخه درختان) بسته می‌شوند،

درب ورودی اصلی همانطور که قبلاً یادآوری شد یا از داخل حیاط و یا از داخل راهرو بین اطاق‌های مسکونی شروع شده و باشیب ملایمی به زاغه‌ها می‌پیوندد. تعداد زاغه‌ها در ارتباط با تعداد دام‌ها و انواع آن می‌باشد. هر نوع دام در زاغه و یا زاغه‌های جداگانه‌ای نگاهداری می‌شوند و هرگز دام‌های بزرگ با دام‌های کوچک مخلوط نخواهند شد. نحوه پراکندگی زاغه‌ها بصورت مختلف و در ارتباط با شکل ساختمان و محوطه‌های باز اطراف منازل است.

۱- بسته به نوع دام، زاغه‌ها با راهروهای جداگانه و مستقل از هم ساخته شده‌اند که در اینصورت دو و یا حداکثر سه راهرو در داخل حیاط وجود خواهد داشت که یکی مخصوص گوسفند و بز، دیگری مخصوص گاو و سومی مخصوص الاغ و اسب است. گاهی انواع دوم و سوم از یک راهرو عبور نموده ولی احتمالاً زاغه‌های جداگانه‌ای دارند و یا ممکن است گاو و الاغ مشترکاً در یک زاغه نگاهداری شوند. اغلب ماده گاوها و اسبها زاغه جداگانه‌ای دارند.

۲- ممکن است فقط یک راهرو ورودی وجود داشته باشد که در اینصورت یا بعد از راهرو اصلی، بسته به نوع دام راهروهای فرعی دیگری احداث شده یا فقط یک راهرو اصلی و یک راه ورودی وجود دارد و زاغه‌ها در امتداد آنها حفر شده‌اند.

در صورت دوم راهرو ورودی دارای ارتفاع و عرض زیادی است و بلافاصله محل نگاهداری دام‌های بزرگ مانند گاو، اسب و الاغ در اطراف آن ایجاد شده است. بعد از آن بطور قابل ملاحظه‌ای از ارتفاع و عرض راهرو کاسته شده و زاغه‌های بعد محل استراحت دام‌های کوچک خواهند بود. کم کردن ارتفاع و عرض راهرو بیخاطر

اینست که دامهای بزرگتر نتوانند مزاحمت دامهای کوچکتر را فراهم سازند. هر زاغه وسیله درب کوچکی مسدود شده تا از پراکنده شدن دامها در راهرو وزاغه های دیگر جلوگیری شده باشد. اغلب زاغه ها در امتداد راهرو اصلی است و دامها برای رسیدن به محل خود باید از زاغه های متعددی عبور کنند در این صورت همیشه زاغه های انتهائی محل نگاهداری دامهای کوچک می باشد. راهروها به ندرت در امتداد خط مستقیمی حفر شده اند بلکه بسته به امکان حفر زاغه، داری پیچ و خمهای زیادی می باشند. اغلب به علت خنکی زاغه در تابستان و گرمای مناسب زمستان، دامها بیشتر اوقات در آنجا نگاهداری می شوند.

چون زاغه و راهروها باید در زمین حفر شوند بنابراین، جنس، سستی و سختی زمین یادداشت دانه و ریزدانه بودن خاک در ایجاد آنها اهمیت زیادی دارند. شاید یکی از دلایل مهمی که کمتر، روستائی در کنار بلا فصل رودخانه ها ساخته شده و بیشتر در زمین های هموار بلند تراز کف بستر گسترش یافته اند به خاطر توانائی استفاده از زاغه باشد. در مناطقی که وجود آب امکان گسترش روستا را فراهم ساخته اما پوشش فرسایشی و یازمین مناسب، ضخامت زیادی ندارند، روستائی قادر به حفر کامل زاغه در سنگهای سخت نبوده و برای تأمین ارتفاع لازم مجبور به ایجاد گنبد هائی بر فراز زاغه ها است. بنابراین برآمدگی های متعدد و متفاوت ویژه روستاهای این منطقه، ناشی از شرایط جنس زمین است.

در زمین های سست ریزدانه که قابلیت ریزش و خزش زیاد است امکسان حفر زاغه وجود ندارد و زمین هائی که نسبت خاک رس بیشتری دارند محل ایده آل خواهند بود. آبرفت های رودخانه ای درشت دانه که با سیمان ریزی به هم چسبیده باشند، امکان حفر زاغه را فراهم می سازد. حداکثر حفر زاغه در سنگهای سخت و یکپارچه از ۱ الی ۲ متر تجاوز نمی کند و در این حال اغلب جدار اغل های حاشیه ای با گل ساخته می شود. اغلب در روستاهائی که بردامنه استقرار یافته اند، برای جلوگیری از مرطوب بودن زاغه در صورت احتیاج حفره های جهت زه کشی

احتمالی آب در داخل و کنار دیواره آن ایجاد می کنند و آب آنرا بادست خارج می سازند ولی همیشه این حفره وسیله درب متحرکی بسته است. چون در زمستانهای سخت کمتر امکان خروج دام جهت آب خوردن وجود دارد، در یک یا چند زاغه که دسترسی به آبهای زیرزمینی آسانتر است چاههایی حفر می کنند و آب لازم جهت مصرف دام وسیله دلو کشیده میشود. در این حال یا روی چاه وسیله سرپوشی بسته است و یا دورتادور آنرا نرده چوبی کشیده اند. اگر راه ورودی زاغه به حیاط باز شود همیشه درب یک ننگه ای بزرگی دارد و اگر مدخل زاغه در راهرو ورودی خود ساکنین خانه قرار گرفته باشد اغلب فاقد درب است، اما راهرو اصلی در مدخل حیاط درب خواهد داشت.

زاغه ها و راهروهای رابط آن هر روز وسیله زنان روستا نظافت شده و فضولات، خارج از منزل در محل خاصی انباشته می شود. وسیله حمل، سبدهائی است که در محل بافته شده است.

جدار راهرو و زاغه ها به علت استفاده از چراغهای قدیمی نفتی اغلب دوده گرفته و سیاه است. کف آغل زاغه ها وسیله گل انسودود شده و هر روز همراه نظافت کلی زاغه تمیز می شود. در صورتیکه مقاومت نسبی زمین، امکان حفر کامل زاغه را فراهم ساخته باشد، انتهای فوقانی زاغه هم سطح زمین است که باتیرهای چوبی سقف آنرا مسدود ساخته و منفذی دایره یا مربع شکل به قطر تقریبی ۴ تا ۶ سانتی متر جهت نورگیری و مبادله هوا در آن تعبیه می نمایند.

در حالیکه طبقات زمین سست و یا نسبتاً سخت باشند، امکان حفر کامل زاغه وجود ندارد و در این صورت باتوجه به عمق حفره گنبد های کوچک یا بزرگی وسیله کلوخه، خشت و یا گل بر روی آن احداث خواهد شد، در صورتیکه گنبد باخشت ساخته شده باشد به شکل طاق بنا شده و احتیاجی به سقف چوبی ندارد. اما اگر دیواره گنبد از گل یا کلوخه باشد، شکل مخروط ناقص به آن داده شده و قسمت فوقانی با تیر چوبی پوشیده خواهد شد. برآمدگی های روی زاغه اغلب

به شکل گنبد یا مخروط ناقص و یا استوانه است که در مورد آخر، سقف گنبد ماندی خواهد داشت.

در زمستانها به علت اختلاف درجه حرارت داخل زاغه و هوای خارج، ستونهای بخار از منافذ زاغه ها خارج شده و منظره جالبی به روستاها می دهد. همانطور که قبلا یادآوری شده چه در منطقه مورد تحقیق از غرب به شرق نزدیک شویم به علت دوری از مناطق عشایری و مجاورت باشهرهای داخلی و در نتیجه وجود امنیت بیشتر، کم کم زاغه ها از بین رفته و طویله و اصطبل جانشین آن می شود. بنابراین شکل مساکن ساختمانی و در نتیجه شکل کلی روستا با مناطق غربی تفاوت زیادی دارد. از گنبد های متعدد و پراکنده گلی که یکی از مشخصات روستاهای غربی منطقه بود دیگر اثری مشاهده نمی شود. ساختمانها به طور نسبی شکل هندسی بخود گرفته و مساکن انسان و دام از نظر شکل خارجی مشابه می شوند. در این شرایط نیز ادغام مساکن هنوز به طور عمیقی وجود دارد و حیاط محل زندگی مشترک انسان و دام است.

همانطور که در مناطق غرب انواع دامها در زاغه های جداگانه نگهداری می شدند، در شرق نیز محل استراحت آنها جدا و مستقل از هم است و دو صورت مشخص می توان در آن تمیز داد.

۱- پاهرنوع دام در پناهگاه جداگانه ای نگهداری می شود.

۲- یادرنپناهگاهی بزرگ وسیله دیوارهای فرعی کوتاه، محل استراحت دامهای مختلف را از هم جدا می سازند که در این حال پس از داخل شدن از درب اصلی، اولین پناهگاه به دامهای بزرگ تعلق دارد.

در هر دو مورد برای دامهای کوچک بسته به نوع آنها محل جداگانه ای در نظر گرفته خواهد شد. آغل های متعددی در داخل پناهگاه ساخته شده و اکثر از آغل های مشترک در یک پناهگاه استفاده می نمایند. در شرق شهرستانهای قسروه

و بیجار اغلب ، سقف پناهگاه دامها باطاقهای گنبدی و از خشت خام ساخته شده است .

ج - اماکن عمومی

مسجد - قدیم ترین امکان عمومی در منطقه مورد تحقیق، مساجد یا خانقاه است که سبک ساختمان و بویژه شکل داخلی آن با توجه به سنن مذهبی تقریباً در بیشتر نواحی یکسان و مشابه می باشند و در حد توانائی در استحکام و زیبایی آن نسبت به سایر خانه های روستائی اقدام شده است . مساجد غالباً در حاشیه روستا و در دهکده های در مجاور رودخانه بنا شده است . اگر روستا از لحاظ پراکنندگی از محلات مختلفی تشکیل شده باشد یا برای هر محله مسجد جداگانه ای وجود دارد و یا یک مسجد در فواصل محلات بنا شده که همگی از آن استفاده نمایند . مساجد سنتی روستاها از یک راهرو، یک ایوان و یک چهار دیواری نسبتاً بزرگ تشکیل شده که در وسط آن اغلب بسته به وسعت مسجد دو، چهار یا شش ستون چوبی وجود دارد و محراب کوچکی محل پیش نماز است . در مجاور این ساختمان همیشه حوض سرپوشیده ای قرار دارد که اطراف آن با سنگهای لوحه ای بزرگ و کوچک فرش شده و محل نظافت و تجدید وضو است و گاهی بر روی همین سنگها در حاشیه حوض نماز می گذارند . اغلب علاوه بر حوض سرپوشیده در مجاور آن حوض رویازی نیز قرار دارد که همانند حوض سرپوشیده است و در فصل مساعد مورد استفاده مردم می باشد .

در گذشته و حتی در زمان حاضر مردان از حوض سرپوشیده برای شستشو استفاده کرده و می کنند . اما به تدریج که حمام های مجهز در روستاها بنامی شوند این حوضها فقط از لحاظ وضو مورد استفاده می باشند . از ساختمانهای وابسته به مسجد، مستراح عمومی است که اغلب سرپوشیده و به فرم خاصی بنا می شود . ساختمان مستراح چهار دیواری مربع یا مستطیل شکلی است که در مقابل درب ورودی، یک راهرو سراسری کشیده شده و در امتداد راهرو بسته به وسعت

چهاردیواری مستراحهای مجاوری ساخته شده است. مسئله جالبی که خاص مناطق کردنشین است، وجود مخزن آبی است که در مقابل هر مستراح تعبیه شده و آب جاری به طور دائم از آن عبور می کند و جهت طهارت از آن استفاده می شود. همیشه فاضلاب مساجد سنتی به جویبارها پیوسته و روباز است و مدخل توالت ها فاضلاب در بر می باشد. گاهی این سه واحد، جدا اما مجاور هم ساخته شده و زمانی هر سه پیوسته و ساختمان واحدی را تشکیل می دهند. تمام روستاهای کردنشین که پیرو مذهب تسنن می باشند دارای مساجدی با خصوصیات ذکر شده اند که بسته به وضع اقتصاد ساکنین روستا، وسعت، استحکام و زیبایی آن متفاوت خواهد بود. چنین مسجدی فقط مربوط به مردان دهکده است و زنان حق استفاده از آنرا ندارند. در روستاهای بزرگ و مخصوصاً روستاهای مجاور شهرها، شکل مساجد تابع مساجد شهری است اما سعی شده که امکانات فوق در آن گنجانده شود و از مصالح بهتر و محکمتری استفاده شده باشد. در تمام موارد کف مساجد از قالی یا سجاده های دست بافت با قطع کوچک (۸۰ × ۱۰۰ سانتیمتر) پوشیده شده است.

در مشرق منطقه مورد تحقیق یعنی در نواحی پراکنده گی افراد ترک زبان و کردزبانانی که پیرو مذهب تشیع می باشند: اولاً در تمام دهات مسجد وجود ندارد (آمار سرشماری سال ۴۰) ثانیاً شکل مساجد و بزرگی آن با روستاهای غربی منطقه متفاوت بوده، ثالثاً زنان و مردان امکان استفاده از آنرا داشته و محل عبادت هر دسته وسیله پرده ای سراسری از هم جدا شده است. به طور کلی وسعت مساجد در مناطق شرقی بیشتر از مناطق غربی است و با توجه به اعتقادات مذهبی در تمام مساجد منبری چوبی جهت وعظ و خطابه وجود دارد. در هر دو مورد چه در شرق و چه در غرب ساختمان مساجد تابع سبک بناهای محلی است اما سعی می شود که ارتفاع آن نسبت به منازل مجاور بیشتر باشد و به این ترتیب اهمیتی برای آن قائل می شوند. در روستاهای شرقی حوض های سرپوشیده و روباز کمتر به چشم می خورد و حتی مستراح های عمومی مجاور مسجد همیشه وجود ندارد. بلکه هر کس در منزل

شخصی تجدید وضو نموده و جهت برگذاری نماز به مسجد می‌آید. ادای فرائض مذهبی در مناطق غربی و استفاده از مساجد به طور محسوسی بیشتر از منطقه شرقی است. با وجود اینکه اماکن عمومی دیگری مانند مدارس، درمانگاه و شرکتهای تعاونی در روستاها دایر شده اما مساجد هنوز مهمترین مرکز تجمع اهالی در مواقع ضروری یا اعیاد و سوگواریها است. هزینه مساجد به عهده اهالی دهکده است و بسته به دهات مختلف ممکن است پیش‌نماز و یا کدخدا و گاهی یکی از معتمدین محل، مأمور و مسئول اجرای تعمیرات و یا هزینه‌های لازم باشند.

مدرسه - سابقه تأسیس مدرسه در روستاهای مناطق مورد تحقیق به زمان نزدیکی برمیگردد و دهاتی که قبل از اصلاحات ارضی دارای مدرسه بوده‌اند تقریباً انگشت شمار می‌باشند.

قبل از اجرای اصلاحات ارضی اصولاً مالکین مانع ایجاد مدارس در روستاها بودند و فقط در شرایط خاصی در بعضی از دهکده‌ها مدارس دولتی وجود داشت که تنها فرزندان مالکین و افراد سرشناس روستا از آن بهره‌مند می‌شدند. عدم توسعه آموزش و پرورش و کمبود معلم خود نیز عامل بزرگی به حساب می‌آمد زیرا اغلب وقتی که مالکین شخصاً لزوم مدرسه را در دهکده‌ای حس می‌کردند همیشه موفق به تأسیس آن نمی‌شدند. در چنین شرایطی اگر تصادفاً برای مدتی در یک دهکده مدرسه‌ای تأسیس می‌شد، بدون اجازه مالک کسی آزادانه حق شرکت در آنرا نداشت و اگر آموزگاری از نظریات و دستورات مالک سرپیچی می‌کرد حداقل تنبیه، اخراج او از دهکده بود. به این دلیل بیسوادی در سطح وسیعی در روستاها گسترش داشت و در دهکده تنها پیش‌نماز سواد مختصری داشت که در موارد لزوم به او مراجعه می‌کردند. اگر به‌عللی پیش‌نماز در دهکده حضور نداشت و یا اصولاً پیش‌نمازی وجود نداشت، اهالی برای رفع نیازمندی خود مجبور به طی کیلومترها راه بودند تا پیش‌نماز ده دیگری و یا احياناً فرد باسوادى مشكل آنان را برطرف سازد. بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی و همزمان با آن آموزش و پرورش با استفاده از سپاهیان دانش در سطح

روستاها به تدریج گسترش یافت. کمبود کادر آموزشی درمقیاس روستاها و پراکندگی روستاها باجمعیت کم مانع بزرگی درراه پیشرفت سریع این مسئله حیاتی است، هرچند که روستائیان برعکس گذشته آماده گی زیادی درمورد پذیرش فرهنگ و آموزش و پرورش جدید ازخود نشان می دهند. همانطور که اشاره شد، مشکلاتی وجود دارد که قبل از حل آنها امکان توسعه غائی آموزش و پرورش وجود نخواهد داشت. مهمترین این مشکلات پراکندگی روستاها باجمعیت کم می باشد که امکان بسیاری ازفعالیت های دسته جمعی را محدود ساخته است. در حال حاضر برای چند دهکده مجاور دبستانی درنظر گرفته شده که کودکان روستاهای دیگر جهت تحصیل به آنجا می روند. رفت و آمد این دسته ازمحصّلین به ویژه باتوجه به زمستانهای طولانی و سرد، مشکل بسیار بزرگی است. یا باید آنطور که درنظر است دهات کوچک و مجاور رادرهم ادغام نمود و یابرای هر روستا دبستان جداگانه ای تأسیس کرد که هر دوره مستلزم زمان و هزینه هنگفتی خواهد بود. در مناطقی که از نزدیک مورد مطالعه قرار گرفت معلوم شد اغلب دبستانهایی که دردهات تأسیس می شوند دائمی نیستند و علل زیادی از جمله کمبود سپاهی دانش، عدم رضایت او و بالاخره محدود بودن امکانات وزارت آموزش و پرورش، توسعه ویا گسترش سریع آنها را مشکل می سازد. اما تأسیس این نوع دبستانها دروسعت کنونی و حتی بطور غیر دائمی تأثیر زیادی در تعلیم و تربیت کودکان روستا داشته و درصد باسوادان را به نسبت افزایش داده است. مسئله مهم علاقه کنونی روستائیان به تحصیل است که عدم آن در سابق مشکل بزرگی در توسعه آموزش و پرورش به حساب می آمد. در سالهای ۳۰-۳۱-۳۳ هنگامیکه نگارنده به انجام خدمت وظیفه درمرزهای غربی ایران مشغول بود، بارها معلم ساکن روستا به اینجانب مراجعه و جهت آوردن کودکان به دبستان طلب کمک می نمود؛ اما در حال حاضر روستائیان از کمبود دبستان شکایت می کنند. این تغییر عقیده به به جای خود اهمیت فراوانی دارد، به همین جهت لازم است آموزش و پرورش

در سطح همه روستاها تا آن اندازه گسترش یابد که احتیاجات اولیه آنان برآورده شود. قبل از اصلاحات ارضی اگر در روستائی مدرسه‌ای دایر می‌شد الزاماً به ایجاد ساختمان جداگانه‌ای جهت آن اقدام نمی‌نمودند، بلکه یکی از ساختمانهای مربوط به مالک، با همان سبک سنتی به مدرسه اختصاص داده می‌شد. همگام با آمادگی روستائیان جهت تحصیل، همکاری عملی آنان در جهت تهیه ساختمان نسبتاً آبرومندی برای مدرسه نیز جلب توجه می‌نماید. این تحول همزمان با اجسرای اصلاحات ارضی به تدریج در اغلب روستاها شروع شده و لی ساختمان مزبور هنوز یک مدرسه ایده‌آل نیست. با دخالت وزارت آموزش و پرورش و آمادگی روستائیان، کم‌کم در بنای ساختمان مدارس، از معماری شهری استفاده شده و کمک‌های دولت و مردم در بعضی از روستاها ساختمان مدارس کنونی را به وجود آورده است. ساختمان مدارس اصولاً در خارج از روستا و بیشتر مجاور مزارع و باغها ایجاد شده و فاقد حیاط می‌باشند. تعداد اطاقها در ارتباط با تعداد شاگردان از ۳ تا ۶ اطاق متغیر است و حداکثر امکان تحصیل در روستاهای این منطقه از دوره ابتدائی تجاوز نمی‌نماید. در هر روستا یک معلم یا سپاهسی به کار تدریس اشتغال دارد. اما اگر تعداد شاگردان از حدی تجاوز نماید گاهی ۲ نفر عهده‌دار وظائف آموزشی خواهند بود. چون در فصل کار کشاورزان به نیروی انسانی بیشتری احتیاج دارند، بنابراین طبق مقررات آموزش و پرورش همه کودکانی که علاقه‌مند به تحصیل هستند نمی‌توانند در موقع مقرر در کلاسها شرکت کنند، به این دلیل تعداد دانش‌آموزان یک مدرسه ممکن است در طول سال نوسان داشته باشد. برای رفع این مشکل کلاسهای تابستانی نیز تشکیل می‌شود که حتی بزرگسالان در آن شرکت می‌نمایند.

حمام - تاریخچه بنای حمام در روستاهای این منطقه حداکثر از سالهای بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی تجاوز نمی‌کند. روستاهائی که در حال حاضر دارای حمام می‌باشند درصد بسیار کمی رانشان می‌دهند. بطور کلی در گذشته روستائیان برای نظافت و شستشوی خود یا از حوض‌های سرپوشیده مساجد و یا

از آب رودخانه‌های مجاور دهکده در فصل مساعد استفاده می‌نمودند. اما زنان با توجه به سن محلی استفاده از امکانات فوق‌برایشان ممکن نبود و به این دلیل همیشه در منزل به شستشو و نظافت خود می‌پرداختند. به طور متوسط و با توجه به امکانات موجود، اکثریت روستائیان حداقل ۱۵ روز یکبار حمام می‌گیرند و لی در مورد مردان ممکن است هفته‌ای ۲ الی ۳ بار نظافت به صورت آب تنی انجام شود. ساختمان حمام‌های فعلی که شامل چند دوش جداگانه است به شکل مکعب مستطیل و مانند مدارس و مساجد در حاشیه دهکده، جائیکه دسترسی به آب بیشتر بوده ساخته شده است. هزینه بنابه طور مساوی از طرف دولت و اهالی پرداخت شده و دولت هنگامی سهمیه خود را پرداخت می‌نموده که روستائیان سهم خود را پرداخته باشند.

حد متوسط هزینه‌های بنای یک حمام ۳۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ ریال است. حمام دهکده بیشتر مورد استفاده زنان روستائی است و مردان کمتر از آن استفاده می‌نمایند. چون با توجه به سن گذشته هنوز از حوض‌های سرپوشیده نچه در تابستان و چه در زمستان استفاده می‌شود. تعداد کسانی که در زمستان از حمام استفاده می‌نمایند به مراتب بیش از زمستان است و در مقابل هربار حمام گرفتن، وجه ناچیزی می‌پردازند که آنهم صرف تعمیر و کارمزد نگهبان حمام می‌شود. روش پرداخت در مناطق مختلف متفاوت است. گاهی به جای پول جنس پرداخت می‌شود (هربار دو یاسه‌نان) و زمانی اهالی به ویژه اشخاصی که علاقه‌مند به استفاده از آن هستند مزد سالیانه می‌پردازند (هر نفر در حدود ۱۲۰ ریال در سال). صورت سوم که رایج‌ترین صورت فوق است برای هربار حمام گرفتن مزدی می‌پردازند که بسیار ناچیز و بسته به دهات مختلف از ۳ تا ۵ ریال متفاوت و همیشه مزد حمام زنان بیش از مردان است. (شاید به این دلیل که آب بیشتری مصرف می‌نمایند) آب مورد استفاده یا از چاه‌های نیمه عمیق و یا از چشمه‌های دائمی است و به مخزن‌های بزرگی که روی حمام نصب شده انتقال داده می‌شود. سوخت حمام از گازوئیل

است. اداره و رسیدگی به هزینه و درآمد آن به عهده شرکت تعاونی روستا می‌باشد. استفاده از حمام هنوز بین تمام اهالی رایج نشده و روشهای قدیمی همچنان متداول است. در بعضی از روستاها سابقاً برای زنان نیز حوض سرپوشیده‌ای وجود داشت و در چنین دهاتی است که اهالی هنوز کمتر از حمام استفاده می‌کنند.

۴ - وسائل ضروری و تزئینات داخل مساکن

غیر از دیواخان مساکن روستائی بسیار ساده و تقریباً عاری از تزئینات است. دیواخان محلی است که روستائیان به تکمیل و تزئین آن علاقه فراوانی نشان داده و مانند موزه‌ای بهترین وسائل خانواده در آن عرضه شده است. دیواخان بهترین و وسیع‌ترین اتاقها و کف آن همیشه از قالی و یا احتمالاً نمد مفروش می‌باشد. طاقچه‌های متعددی دارد که مملو از اشیاء متنوع است. رادیو، سماور، کاسه و بشقاب چینی یا لعابی و... از رایج‌ترین وسائل زینتی دیواخان است که غالباً بر روی پارچه سفید گلدوزی شده‌ای منظم چیده شده‌اند. دیوارها اغلب با گچ سفید شده و یا از گل سفید بجای گچ استفاده می‌شود و به ندرت دیوارها کاهگلی می‌باشند. علاوه بر اشیاء فوق عکسهای متعددی بر دیوار آویزان است که گاهی عکس‌های خانوادگی و بیشتر موارد عکس‌هایی است که از مجلات کنده شده و یا احتمالاً همراه اجناس خریداری شده از شهر به روستا آورده شده است. عکس‌های ائمه و خانواده سلطنتی عمومیت بیشتری دارند. سقف دیواخان چوبی است و اغلب برای زینت و جلوگیری از ریزش خاک وسیله نایلون ارزان قیمتی پوشیده می‌شود. گاهی در وسط دیواخان در زیر قالیها برآمدگی کوچکی مشاهده می‌شود که محل نصب بخاری در زمستان است. در اطراف دیوار بر روی قالی ممکن است یک یا چند تشک با پارچه‌های رنگی گلداز قرار داده و بر روی آنها و متکی به دیوار رختخواب پیچ‌های بسته‌ای قرار داده‌اند که در داخل هر بسته یک یا دو دست رختخواب موجود و فقط برای پذیرائی از مهمانان مورد استفاده است.

علاوه بر رختخواب پیچ ممکن است از پشتی نیز استفاده شده باشد که رویه آن یا در محل بافته شده و یا قالیچه‌های ماشینی خارجی است. در داخل دیواخان صندوقچه چوبی بزرگی وجود دارد که اغلب چند قطعه قالیچه لوله شده نیز در کنار آن به چشم می‌خورد. این قالیچه‌ها بیشتر جنبه تشخص داشته و فقط هنگام احتیاج از آنها استفاده می‌شود. دیواخان دارای پنجره‌های بیشتر و در نتیجه روشنایی زیادتری نسبت به سایر اطاقها است. اشیاء مختلف دیگری نیز ممکن است جزء وسائل زینتی دیواخان باشند که بسته به سلیقه خانواده‌ها متفاوت خواهد بود. در گوشه دیواخان وسائل تهیه چای شامل سینی مسی بزرگ، سماور حلبی یا برنزی، قوری چینی، استکان و... که همیشه آماده پذیرائی از مهمانان است. وضع داخل مال یا محلی که افراد خانواده عموماً از آن استفاده می‌کنند بسیار ساده و اکثر بدون فرش است. از وسائل داخل این اطاق یک یا چند صندوق چوبی بزرگ، چند قالی و نمده که در گوشه‌ای از اطاق لوله شده، وسائل خواب اغلب شامل چند لحاف و جاجیم و بالش می‌باشد که در گوشه‌ای رویهم چیده شده‌اند. تعداد طاقچه‌ها در این اطاق بسیار کم ولی انواع وسائل به‌طور نامنظم در آن وجود دارد. وسعت اطاق در ارتباط با تعداد افراد خانواده است و اطاقهای بزرگ دارای یک یاد و شمعک در وسط خواهند بود. در اینصورت اغلب کف نیمه‌ای از اطاق بلندتر از نیمه دیگر است. در وسط یا گوشه‌ای از آن تنوری کار گذاشته شده که محل تهیه نان و پختن غذا در فصول سرد است و در زمستانها بر روی آن کرسی می‌گذارند و همه در اطراف آن می‌خوابند. دیوارها از دوده سیاه شده، یک درب ورودی، یک نیم پنجره و همیشه یک سوراخ سقفی کوچک دارد. رویهم‌رفته مال فاقد بهداشت و نور کافی است.

در روستاهائی که مانکین سابق به عنوان کشاورزان فعلی مجبور به سکونت شده‌اند وسائل داخل منازل شبیه منازل شهری و تقریباً تمام امکانات لازم را در اختیار دارند.

۵- مصالح ساختمانی - مصالح اصلی ساختمان مانند بیشتر روستاهای ایران از فراوان‌ترین و ارزان‌ترین آنها یعنی گل است. اغلب با توجه به امکانات محیط طبیعی، ممکن است از تخته سنگها مخصوصاً در پی بناها استفاده شده باشد (دهات پایکوهی). گل بصورت خشت معمولی و کلوخه (کلو^۱) و یا مستقیماً در بنای ساختمان بکار برده می‌شود. خشت را بیشتر در مساکن انسانی و کلوخه را در بنای مساکن دامی و انبارها به مصرف می‌رسانند. دیوار حیاطخانه‌ها و حفاظ باغها و مزارع مجاور روستاها بیشتر از کلوخه و گل و یا از چینه‌های گلی ساخته می‌شود. در دهات پایکوهی ورودخانه‌هایی که دارای آبرفت درشت دانه‌اند، در درجه اول برای پی بناها و دیوارها و سپس در ساختمان دیوارها از سنگ نیز استفاده می‌شود. در این مناطق دیوار باغها به صورت سنگچین و بدون ملاط گلی است. اگر دیوار باغها گلی و کوتاه باشد بر فراز آن شاخه‌های خشک نباتات مختلف گذاشته می‌شود و هنگامیکه آب نسبتاً در روستائی فراوان است باغها بیشتر با پرچین طبیعی از بوته‌های تمشک یا زرشک محصور شده و در فواصل این بوته‌ها درختان چنار و تبریزی نیز کاشته شده‌اند. اغلب دیوار حیاط و لبه خارجی باها به علت جلوگیری از فرسایش باران و یرف دارای حصار کوچک است.

پوشش معمولی و متداول سقف منازل، انبارها و پناه‌گاه دامها، تیرهای چوبی است که بیشتر از درخت تبریزی و در محل پرورش داده شده است. در مشرق منطقه مورد تحقیق تیرهای چوبی اکثر از همدان خریداری شده و جهت مصرف به روستا آورده می‌شود. علاوه بر درخت تبریزی برای پوشش سقف از هر نوع درخت حتی درخت‌های میوه باشاخه و تنه کج و معوج استفاده شده است. مواردی که سقف بناها از طاقهای خشتی ساخته شده باشند بسیار کم و آنهم فقط در مشرق شهرستان‌های قروه و بیجار مشاهده شده که احتمالاً ناشی از نفوذ معماری مرکز ایران است. در طاقهای کوچک و متوسط ابتدا پوششی از درخت‌های تبریزی به فاصله ۱ تا ۰

سانتی متر قرار داده سپس بر روی آن از شاخه های کوچکتر در جهت عمود بر تیرهای چوبی استفاده می شود . روی این تیرکها ، شاخه های نازکتر و حتی برگ درختان به طور نامنظم چیده شده و سپس بر روی آن خاک می ریزند و گاه گل می مالند . در پشت بامها از ناودانهای چوبی که در محل درست شده استفاده می شود . در اطاق های بزرگ که طول تیرها کمتر از عرض اطاق است در وسط اطاق و در جهت طولی ابتدا تنه ضخیمی از درخت بر فراز دیوار نصب می شود که در محل (حمال) نام دارد . سپس در جهت عمود بر حمال تیرهای چوبی در طرفین آن به طور متناوب چیده شده و مانند مورد اول تکمیل می گردد . در بیشتر موارد سقف این نوع اطاقها صاف نبوده و شیروانی مانند است اما شیب آن بسیار کم و نامحسوس می باشد . همیشه برای استحکام بیشتر شمعی زیر حمال قرار داده می شود . پنجره های محدود اطاقها بیشتر چوبی است ولی در ساختمانهایی که در ۱ سال اخیر به سبک سنتی محل بنا شده ، گاهی از پنجره های آهنی نیز استفاده شده است . درب حیاط و یا اطاقهایی که به حیاط باز می شوند همیشه چوبی ولی گاهی یک لنگه وزمانی دولنگه است . درب هایی که با شاخه درخت بید بافته شده بیشتر در باغها و پناه گاه دامها و به ندرت برای درب حیاط استفاده می شود . بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی و اجبار مالکین سابق به سکونت در روستاها مخصوصاً در مناطق عشایری یعنی در مغرب منطقه مورد تحقیق ، ساختمانهای جدیدی که به سبک معماری شهری و با مصالح ساختمانی عالی مانند سیمان ، تیر آهن ، آجر و سنگ ساخته شده و از بیشتر امکانات موجود بهره مند می باشند . وجود چنین ساختمانهایی در روستا که بیشتر یک طبقه و بندرت دو طبقه است بسیار چشم گیر می باشد . عده ای از روستائیان که از لحاظ مالی امکاناتی در اختیار دارند به ساختمان بناهای آجری و گلی مبادرت ورزیده و خانه های دو طبقه ای ساخته اند که مانند گذشته طبقه بالا دیواخان و زیر دیواخان اغلب گاراژ تراکتور یا ماشین سواری است که با درب آلومینومی مجهز می باشد . وجود چنین بناها و اماکن عمومی که از طرف دولت و یا مشترکاً وسیله دولست و

روستائیان بنا شده در تغییر نسبی سبک بنا و مصالح ساختمانی روستاها اثر خواهد داشت اما همانطور که قبلاً اشاره شد گویا تا پیاده شدن طرح نوسازی روستاها از طرف دولت از ساختمان بنای جدید جلوگیری می‌شود.

بهداشت

سطح بهداشت عمومی در سراسر منطقه نسبتاً پائین و متأسفانه آنطور که لازم است خود روستائیان مانند سایر امور اجتماعی که بدون راهنما و تکیه گاه کاری از پیش نخواهند برد در این مورد نیز چشم به فعالیت دستگاههای دولتی دارند و اقدامات چشم گیری از طرف خود آنان مشاهده نمی‌شود.

۱ - بهداشت محیط

با توجه به توصیف مساکن و مصالح ساختمانی و پراکنندگی منازل در روستاها محیط زندگی فاقد بهداشت ولی سطح آن در مناطق مختلف متفاوت است. با وجودی که شرایط اقلیمی مناسب و پراکنندگی نسبی باران، طبیعت سالم و سبز و خرمی در اختیار آنان نهاده، اما داخل روستاها دنیای دیگری است که مطلقاً با محیط خارجی آن قابل قیاس نیست. متأسفانه عدم اطلاع کافی روستائیان و سودجویی عده‌ای معدود شرایطی فراهم ساخته که به تدریج رویش‌های طبیعی مناطق هموار را عملاً به خاطر توسعه زمینهای کشاورزی از میان برداشته، نه تنها دامهای خود را در مضیقه غذایی قرار داده، بلکه امکانات مساعد طبیعت را نیز از بین می‌برند.

در داخل روستاها عموماً کوچه‌ها خاکی است و با مختصر حرکتی ستونی از خاک به هوا برمیخیزد و بدون استثناء در فصل تابستان و اوائل پاییز به محض وزش بادهای فصلی و محلی سراسر روستا در توده‌ای از گرد و غبار مدفون می‌شود. علاوه بر بادهای هر روز خروج و برگشت دامها در صبح و عصر همراه با گرد و غبار شدیدی است و روستائیان جهت تفکیک دامهای مربوط به خود مجبور به استنشاق آن

می‌باشند. علاوه بر آن هربار که دامها برای چرا به خارج از دهکده رفته و یا جهت استراحت به روستا برمی‌گردند سراسر کوچه‌ها از فضولات آنها انباشته می‌شود. به طور کلی داخل روستاها فاقد درخت است و به ندرت در روستائی یک یا چند درخت وجود دارد. تنها در دومیورد در جنوب غربی شهرستان قروه داخل حیاط درخت و گل مشاهده شد! با وجودیکه اکثر اوقات جویبارهایی جهت آب رسانی به مزارع اطراف از داخل روستا می‌گذرند، هرگز مشاهده نشد که در کنار آن درختی کاشته شده باشد. اما بلافاصله بعد از این محیط خشک و گرد و خاکی، فضای سبزی دهکده را در بر می‌گیرد که بدون شک در بهزیستی محیط اثر فراوانی دارد.

خارج از این مشکلات، طریقه زندگی خود روستائیان در جهت آلوده ساختن محیط زیست قابل ذکر است. طبق یک سنت قدیمی که از قرن‌ها قبل تغییری در آن مشاهده نشده، عموم روستائیان در سراسر منطقه فضولاتی که از نظافت پناه گاه دامها حاصل می‌شود در محوطه جلومنزول رویهم انباشته تا در موقع مساعد بعد از تغییر شکل، جهت سوخت به مصرف برسانند. این فضولات همراه تل‌های خاکستر و زباله‌های دیگر که در سراسر روستا به‌طور پراکنده مشاهده می‌شود، کانون‌حشرات مختلفی است که همیشه سلامت روستائیان را مورد تهدید قرار می‌داده است. وجود آنها تا آن اندازه چشم‌گیر است که اولین اقدام از طرف سپاهیان بهداشت و دانش و سایر خدماتی که از طرف دولت به تفاوت در روستا به انجام وظیفه مشغول هستند، جابجا کردن محل این فضولات و خروج آن از روستا بوده است. با وجود سالها تلاش معه‌ذا تاکنون اثری از همکاری روستائیان مشاهده نشده است. علت خودداری از تغییر محل فضولات، محدود بودن نیروی انسانی است که به‌طور سنتی مسئول جابجائی و تغییر شکل آن بوده‌اند.

در مناطق روستا نشین به ویژه در کردستان مسئولیت اداره زندگی بیشتر به عهده زنان است و این طبقه نه تنها کلیه مسئولیتهای داخلی خانواده را عهده‌دار

هستند بلکه در بسیاری از کارهای خارج نیز به کمک مردان می‌شتابند. به همین دلیل هنگامیکه صحبت از افزایش کار زنان به میان می‌آید کمتر در انجام آن توفیقی حاصل می‌شود. نحوه نظافت و روش حمل فضولات عامل دیگری است که تغییر آن وامکان جابجائی در زمانی کمتر، ممکن است به توفیق این برنامه کمک کند. قبلاً یادآوری شد که فضولات بردوش زنان به خارج از منزل حمل می‌شود، اگر به جای سبد از چرخهای دستی استفاده شود، این امکان به وجود خواهد آمد که از کود کان برای حمل آن به خارج روستا استفاده شده و گامی در راه بهبود بهداشت محیط برداشته شود. نکته‌ای که باید در این تغییر محل مورد توجه باشد، انتخاب محل مناسب جهت انباشتن فضولات است. در این کار، شناسائی جهت بادهای محلی در درجه اول اهمیت قرار دارد. در این صورت بهترین محل نقاط پست و در صورت امکان، داخل فضای سبز اطراف روستا می‌باشد.

۲- بهداشت خانواده

در شناسائی سبک بنا به خصوصیات مسکن سنتی اشاره شده است. در روستا های منطقه مورد تحقیق بیشتر اطاقها، کوچک، نیمه تاریک و دوده گرفته است. پوشش داخلی منازل مسکونی کاهگلی است و از سقف دائماً ریزش ذرات خاک ادامه دارد، به همین جهت اگر محصولات دامی و یا کشاورزی در ظروف سرپوشیده نباشد، قشری از خاک آنرا خواهد پوشاند. داخل حیاط و یا جلو منازل به ندرت سنگ فرش است و هر روز دوبار صبح و شب وسیله زنان بعد از مختصر آب‌پاشی نظافت می‌شود. وسائل استراحت عموماً کهنه و اغلب کثیف است و سالی یکبار در فصل تابستان و در کنار رودخانه و چشمه‌ها شسته می‌شوند، به همین منظور رنگ پارچه‌هایی که به مصرف تهیه تشک، بالش و لحاف می‌رسد، از رنگهای تیره انتخاب شده‌اند. در دیواخان رختخوابهای نسبتاً تمیزتری وجود دارد که فقط هنگام پذیرائی از مهمانان از آنها استفاده می‌شود. اطاقها هر روز پس از تهیه نان و غذا نظافت می‌شوند. نظافت دیواخان در ارتباط با میزبان پذیرائی از مهمانان

است و اغلب درب آن بسته و بنابراین هر روز احتیاج به نظافت ندارد. عامل مهمی که باعث عدم رعایت بهداشت در خانواده می‌باشد زندگی مشترک آنها با دامها است که آزاد به هر جا سر می‌کشند و در ارتباط مستقیم و دائمی می‌باشند. بزه‌ها تمام اطاقها و انبارها را زیر پا می‌گذارند و در صورت سهل‌انگاری افراد خانواده گاهی ممکن است با واژگون ساختن فراورده‌های دامی و یا خورردن محصولات کشاورزی انبار شده، خسارات فراوانی به آنان وارد سازند. به علت وجود دامها و فراورده‌های دامی، مگس، پشه، کنه، به تفاوت در مناطق مختلف به فراوانی یافت می‌شوند. برای دفع این جانداران موذی هر چند سال یکبار از طرف گروه‌های بهداشتی تمام منازل سمپاشی می‌شوند. موش چه در پناهگاه دامها و چه در مساکن انسانی بسیار فراوان است. اغلب پس از هر سمپاشی تعداد زیادی از طیور خانگی در اثر مصرف سم از بین می‌روند و در شرایط کنونی جلوگیری از این تلفات برای روستائیان امکان‌پذیر نیست. تاریخ دفعات سمپاشی بامشخصات گروه و اغلب نوع سمی که استفاده شده همه جابر دیوارها به چشم می‌خورد

۳- بهداشت انفرادی

با توجه به وضع بهداشت محیط و خانواده نقش افراد از نظر بهداشت شخصی تا حدودی معین و روشن است. بطور کلی لباسها در فاصله‌های زمانی طولانی تعویض می‌شوند و در گذشته چه بسا درپاره‌ای از موارد مخصوصاً درباره اطفال لباس تا استهلاك قطعی شسته نمی‌شد. در حال حاضر این شرایط به طور نسبی بهبود یافته و زنان بعد از هر بار شستشو حداقل قسمتی از لباسهای خود را عوض می‌کنند، اما مردان بعد از چند بار شستشو مبادرت به تعویض لباس زیر می‌نمایند. زنان هر هفته یا حداقل ۱۰ روز یکبار حمام می‌گیرند و مردان در فصول گرم ۲ الی سه بار و در فصل زمستان حداقل هفته‌ای یک بار آب‌تنی می‌کنند. متأسفانه هنوز رعایت اصول مقدماتی بهداشت بین مردم رایج نیست و مراکز

درمانی فقط در مرکز شهرستان یا بخش و بندرت در مرکز دهستان وجود دارد. اما اکیپ‌های سیار هر ۲ الی ۳ روز یکبار به روستاها سرکشی نموده و معالجات مقدماتی و ساده وسیله آنان انجام می‌شود، و بیمار در صورت احتیاج باید بسه نزدیکترین مراکز درمانی که همیشه فاصله زیادی تا روستا دارد مراجعه نماید. در زمستان که خطوط ارتباطی برای مدتی بسته خواهد شد هیچ امکانی در دسترس روستائی نخواهد بود و چه بسا ناراحتی‌هایی جزئی و قابل علاج مرگ آنان را سبب خواهد شد. هنگام بازدید از منطقه مورد تحقیق در جنوب غربی شهرستان بیجار در روستای شیرکۆ ساختمان آجری بزرگ و مدرنی در کنار چشمه روستا مشاهده شد که روستائیان بابتی تفاوتی خاصی از کنار آن می‌گذشتند. پس از استفسار معلوم شد این بنا درمانگاهی است که از چند سال قبل پس از تلاش اهالی به هزینه دولت ساخته شده اما هنوز عملاً از آن بهره‌برداری نشده است. در حال حاضر در بیشتر روستاها لوله کشی آب وجود دارد و چشمه‌هایی که به علت پستی محل امکان لوله کشی و مصرف در داخل روستا را نداشته بخاطر رعایت بهداشت مخازن کوچک سرپوشیده‌ای در جلو آن ساخته شده و از طریق لوله‌ای فلزی، آب جهت مصرف در اختیار همگان قرار دارد. متأسفانه در پاره‌ای از موارد به علت عدم اطلاع مجریان این طرحها با وجودیکه هزینه زیادی به مصرف رسیده اما چون مخزن اولیه دارای آب دائمی نبوده در فصل تابستان شیرهای داخل روستا خشک و بدون مصرف باقی می‌ماند. همراه لوله کشی آبهای آشامیدنی و نصب شیرهای متعدد در داخل روستا، محل‌هایی جهت شستشوی لباس و ظروف در کنار چشمه‌ها و حوضهای سرپوشیده ساخته شده است که از لحاظ بهداشتی اهمیت زیادی برای اهالی دارد. به علت تناوب سالهای خشک و مرطوب اغلب چشمه‌ها یا خشک شده و یا آب آنها به حداقل می‌رسد در این صورت روستائیان به حفر چاه‌های کم عمقی در داخل حیاطها اقدام می‌کنند که بیشتر به مصرف آب آشامیدنی دامها و شستشو می‌رسد و در این شرایط به علت سهل‌انگاری روستائیان سر

چاهها بیشتر مواقع باز و یا نیمه مسدود است و مقررات بهداشتی رعایت نمی‌شود. با وجود مشکلات فوق اکثریت روستائینی که در مبارزه مرگ و زندگی پیروز می‌شوند به علت وجود آب و هوای مناسب در منطقه و ازدیاد کاربردنی در بعضی از فصول و استفاده زیاد از لبنیات از سلامت نسبی برخوردار بوده، نسبتاً قسوی بنیه و شاداب می‌باشند. سطح بهداشت عمومی در مناطق مختلف متفاوت است و در بررسی‌های منطقه‌ای این اختلاف به طور محسوسی قابل مشاهده می‌باشد. در مناطق غربی با وجود دسترسی کمتر به پزشک و دارو، بهداشت عمومی بهتر از مناطق شرقی است. روستاهای مناطق غربی منطقه مورد تحقیق پاکیزه‌تر، و نظم و نظافت داخلی کوچه‌ها و منازل به مراتب بیشتر از روستاهای شرقی است. امراض رایج بیشتر سردرد و دل‌درد و گاهی جراحات ناشی از سوانح کار است. هنگام تحقیق در منطقه در بیشتر روستاها، کشاورزان جهت گرفتن دارو به ما مراجعه می‌نمودند و اکثراً از سردرد و دل‌درد می‌نالیدند. هنوز معالجات سنتی قدیم و استفاده از داروهای گیاهی که به فراوانی در منطقه وجود دارد معمول می‌باشد. در مورد معالجات امراض دابی، اقدامات چشم‌گیری به عمل نمی‌آید. نتیجه این سهل‌انگاری و میزان اهمیت آن در بخش دامپروری بررسی خواهد شد.

مواد سوختنی

با شناسائی شرایط سخت و طولانی زمستانهای منطقه مورد تحقیق، اهمیت مواد سوختنی در زندگی روستائیان کاملاً مشخص و معلوم است. مواد سوختنی مورد مصرف تنوع زیادی نداشته و در درجه اول فضولات دامها قرار دار که بیش از ۹۰ درصد مصرف سوخت اهالی از تغییر شکل آن تأمین می‌گردد. به ترتیب اهمیت بعد از فضولات حیوانی، نفت، شاخ و برگ درختان و بالاخره بوته‌های علف بیابانی است که پس از خشک شدن، جداگانه و یا همراه فضولات حیوانی به مصرف می‌رسد. وسیله استفاده کرسی و بخاری است. به علت اهمیت انواع مواد سوختنی و موارد مصرف، جداگانه به بررسی آن می‌پردازیم.

۱- تپاله^۱

سوخت اصلی و در بسیاری از خانواده‌ها تنها سوخت موجود است که پس از تغییر شکل فضولات دامها جهت مصرف آماده شده و تهیه آن از وظائف خاص زنان روستا است. قبلا در بحث پناهگاه دامها و بهداشت خانواده اشاره شد که زنان روستائی هر روز صبح پس از خروج دامها به نظافت استراحتگاه آنها پرداخته و فضولات دامی را وسیله سبدهای خاصی بر دوش به محوطه خارج از منزل می‌آورند و در نقطه‌ای که در لهجه محلی سربوان^۲ گویند انبار می‌کنند. این کار در سه فصل پائیز، زمستان، بهار ادامه می‌یابد و هر خانواده بسته به تعداد احشام در اواخر بهار، تلی از فضولات حیوانی دارند. در سه فصل فوق اگر مدتی بارندگی نشود روستائیان عمداً هر روز بر روی آن آب می‌پاشند تا ذرات خشک در آئینای وزش باد جابجا نشود. در اینصورت عملاً محیط مساعدی جهت تکثیر انواع حشرات به وجود می‌آورند که در تمام سال سلامت و استراحت آنان را مورد تهدید قرار می‌دهد. تپاله از تغییر شکل این فضولات حاصل می‌شود که به طرز تهیه و ذخیره آن مفصلاً اشاره می‌نمائیم. همیشه بعد از خاتمه بارانهای بهاری در اواخر و یا اوائل تیر، زنان روستائی بعد از رهائی از کارهای روزانه داخل منزل هر روز یا هفته‌ای ۲ یا سه بار به تهیه تپاله می‌پردازند. روش کار چنین است که با کلنگ مقداری از فضولات را از تل اصلی جدا ساخته و سپس اگر در همانجا زمین هموار باشد با آب خمیری از آن تهیه می‌کنند که به آسانی با دست قابلیت شکل پذیری داشته باشد. این خمیر مدتی با پا و به کمک بیل زیرو رو شده تا خاصیت چسبندگی پیدا کند، این محل در اصطلاح پاکوت^۳ نامیده میشود.

سپس از پهن کردن این خمیر در اندازه‌های تقریباً مساوی در زمینی هموار و آفتابگیر که قبلاً کاملاً تمیز شده، اشکال بیضی شکلی به وجود می‌آورند که همان تپاله است.

۱- Tapālah

۲- Sarivān

۳- Pācot

شکل عمومی همانطور که گفته شد بیضی است و آثار دست بر روی آن کاملاً نمایان می‌باشد. لبه‌ها نازکتر از مرکز تپاله و ضخامت متوسط آن ۷ الی ۱۰ سانتیمتر، قطر کوچکتر در حدود ۲ و قطر بزرگ ۴ تا ۵ سانتیمتر می‌باشد. علاوه بر اشکال بیضی، گاهی شکل‌های دایره مانند نیز از آن درست می‌شود که بیشتر مانند سرپوشی جهت فراورده‌های کشاورزی به کار می‌رود. گاهی نیز ظروفی در اندازه‌های مختلف به شکل مخروط ناقص از این خمیر تهیه می‌شود که مصرف حمل زباله و علوفه دارد. اصطلاح محلی آن کلاره^۱ است و در مناطق غربی بیش از روستاهای شرقی دیده می‌شود. هنگامیکه قسمت فوقانی تپاله خشک شد، آنها را از زمین برداشته و دوید و پوری پهلوی هم می‌گذارند تا قسمت مرطوب زیرین نیز کاملاً خشک شود. روستائیان سعی دارند که در فصل گرم و بدون باران بیش از مصرف متوسط سالیانه خود سوخت تهیه و ذخیره نمایند. ذخیره تپاله در سراسر منطقه یکسان نبوده و به دو صورت مشخص دیده می‌شود.

مناطق غربی و عشایری - در سراسر این منطقه، تپاله به شکل خاصی ذخیره می‌شود که وجود آن یکی از مشخصات بارز روستاها است.

پس از تهیه و خشک شدن، تپاله‌ها را در مجاور منزل مسکونی خود پوری رویهم می‌چینند که اولاً شکل خارجی منظمی داشته و ثانیاً امکان استفاده تدریجی از آن ممکن باشد. اشکال مرسوم و متداول آن مخروطی ولی بسته به سلیقه روستائی ممکن است هرمی (بیشتر بساقاعده مربع) و یا استوانه‌ای با تاج مخروطی باشد. برای رویهم چیدن آن اغلب از نردبان استفاده می‌شود. بعد از خاتمه کار جدار خارجی را با خمیری از همان فضولات پوشانیده و کاملاً صاف و هموار می‌نمایند و ضخامت خمیر را آن اندازه در نظر می‌گیرند که از رطوبت برف و بارانهای زمستانی محفوظ بماند. هنگام مصرف، از طریق دریچه‌ائی که قبلاً در قاعده آن تعبیه شده احتیاجات خود را رفع می‌نمایند. اغلب پس از مصرف تپاله‌ها هنوز دیواره خارجی

محکم و پابرجا است. اما گاهی در مرحله‌ای از مصرف قسمتی از دیواره خراب شده لذا هم از تپاله و هم از جدار خارجی به‌طور یک‌نواخت استفاده می‌شود. این اشکال مخروطی یا هرمی و استوانه‌ای در محل کوشکلان^۱ نامیده می‌شود که گاهی با توجه به میزان مصرف خانواده ممکن است ۲ قلو و یا بندرت سه قلو باشد.

بنابراین اشکال فوق با رنگ تیره متمایل به قهوه‌ای ذخائر سوختی هستند که از دور منظره جالبی به روستا می‌دهند. اغلب هنگام خروج و یا برگشت دامهای بزرگ به روستا فضولات آنها به محض دفع وسیله عابری ساکن منزل (مخصوصاً زنان) به دیوار حیاط یا اطاقها چسبانده شده که پس از خشک شدن جهت مصرف سوخت روزانه از آن استفاده می‌شود.

روستاهای شرقی - برخلاف مغرب منطقه مورد تحقیق مواد سوختنی در انبارها ذخیره می‌شود و ایجاد کوشکلان مرسوم نیست. هر جا علت را از ساکنین شرقی شهرستانهای قروه و بیجار سؤال کردیم همه متفق‌القول، باران‌های فصول سرد را دلیل ذخیره تپاله در انبارها می‌دانستند، در صورتیکه با توجه به ارقام موجود در جزوه‌های اداره کل هواشناسی، میزان باران از مشرق به مغرب افزایش می‌یابد یعنی در بخش دیواندره که میزان متوسط باران سالیانه $404/3$ میلیمتر است همه جا کوشکلان وجود دارد درحالیکه در روستاهای شرقی بیجار و قروه که بارندگی سالیانه در حدود ۵۰ تا ۱۰۰ میلیمتر کمتر است مواد سوختنی در انبارها ذخیره می‌شوند. بنابراین ترس از باران نمی‌تواند علت غیبت کوشکلان در منطقه شرقی باشد. بلکه عامل اصلی، عدم امنیت و ترس از هجوم و غارت ساکنین عشایر مغرب منطقه بوده که نه تنها در کوشکلان بلکه در شکل کلی مساکن به ویژه انبارهای ذخائر کشاورزی نیز اثر قاطع داشته است.

احتیاج به سوخت فوق‌العاده این مواد، مانع مصرف آن به شکل کود است، گویانکه کشاورزان به اهمیت آن در ازدیاد محصول آگاهی دارند. هرچند که

روستائیان هر سال پيش از ميزان متوسط مصرف خود تپاله ذخيره می کنند و گاهی به علت کوتاه بودن فصل سرما ممکن است يک کوشکلان دست نخورده داشته باشند، اما اغلب اتفاق می افتد در سالهای سرد با زمستانهای طولانی در بعضی از خانواده ها ذخائر موجود کفاف مصرف را ندهد. در این صورت امکان خرید و فروش آن در مشرق منطقه مورد تحقیق وجود دارد و قیمت معمولی آن يک ریال برای هر تپاله است. این سنت هنوز در مناطق غربی و عشایری منطقه رایج نشده و در صورت احتیاج کسانی که اضافه بر مصرف داشته باشند به رایگان و یا به صورت قرض در اختیار سایرین می گذارند که بعدها در فصل مساعد به آنان مسترد خواهد شد

۲- آزاله^۱

فقط ناشی از فضولات گاو و بدون دخالت انسان به شکل طبیعی ، پس از خشک شدن به مصرف می رسد. گله ها هنگام چرا، اطراف و داخل روستا رازیرپا می گذارند، بنابراین فضولات آنها به طور پراکنده همه جا وجود دارد. قبلا اشاره شد که فضولات گاوی در داخل روستا ، وسیله روستائیان به دیوار چسبانده شده و بعد مصرف می شود . اما در خارج از روستا و در پهنه دشتها ، این فضولات به شکل طبیعی بر سطح زمین خشک می شوند و هنگام تابستان کودکان، مخصوصاً دختران سبد بردوش همه جا را زیر پا نهاده و به جمع آوری آزاله می پردازند و جهت مصرف روزانه و کمک به اشتعال تپاله در تنور مصرف می نمایند.

۳- منابع نباتی

بعد از فضولات دامها از لحاظ مصرف عمومی می توان به شاخ و برگهای خشک شده درختان و بوته های علف خودرو اشاره نمود که فقط برای کمک به بهتر سوختن فضولات حیوانی جمع آوری و همراه آن مصرف می شوند. میزان مصرف

محدود و رویهم در حدود ۱ تا ۲ درصد مواد سوختنی را تشکیل می‌دهد. در پائیز و اوائل بهار، کشاورزانی که باغ دارند به جمع‌آوری شاخه‌های خشک پرداخته و آنها را در گوشه حیاط و یا احتمالاً در انبار برای کمک به مصرف سوخت زمستانی ذخیره می‌نمایند.

با در نظر گرفتن پراکندگی باران در منطقه، پوشش نباتی بصورت طبیعی نسبتاً غنی است. کشاورزان در گذشته یعنی تا قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی جهت تغذیه زمستانی دامها و در مقدار کمی برای مصرف سوخت از بوته‌های خودرو استفاده می‌نمودند. رایج‌ترین این بوته‌ها گون و خرکلم است که در حال حاضر نیز مصرف دارد و کشاورزان پس از خاتمه کارهای روزانه در صحرا، برای اینکه دست‌خالی به منزل بازنگردند در حد و امکان از این بوته‌ها وسیله الاغ یا الاغهایی که همراه دارند با خود به روستا می‌آورند. پس از قطع بوته‌ها یا بلافاصله آنرا به روستا آورده و بر روی پشت دامها جهت خشک‌شدن پهن می‌کنند و یا پس از قطع و خشک شدن بوته در صحرا، به حمل آن مبادرت می‌ورزند. کمتر اتفاق می‌افتد که روستائی فقط برای حمل بوته‌ها جهت سوخت از آبادی خارج شود.

۴ - نفت

یکی دیگر از مواد اولیه سوختنی است که در سابق مصرف بسیار ناچیزی داشته و فقط خانواده‌هایی که قدرت مالی بیشتری داشته و در ارتباط با شهرها یا قصبات مجاور بودند از آن استفاده می‌کردند. مصرف نفت در سالهای گذشته دائماً رو به افزایش بوده اما به علت بسته شدن راهها در زمستان یعنی هنگامیکه احتیاج به آن بیشتر است، کمتر روستائی به آن متکی بوده و حتی به زحمت می‌توانست با هزینه زیاد مصرف روشنائی خود را تأمین کند. در چنین شرایطی در فصل زمستان قیمت یک حطب نفت تا ۲۰ ریال و بیشتر افزایش می‌یافت. ایجاد شرکت‌های تعاونی، امکان دسترسی به این ماده را با نرخ ثابت در هر

زمان فراهم ساخته و بنابراین کشاور با اطمینان خاطر روز به روز به مصرف بیشتر آن علاقه مند می شود. موارد مصرف از لحاظ ایجاد حرارت محدود است. شرکتهای تعاونی در فصل مساعد با پیش بینی میزان نسبی مصرف زمستانی، حلب های نفت را ذخیره نموده و سپس هنگام احتیاج با قیمت عادلانه ای که اعضاء شرکت تعیین کرده اند به فروش می رسانند. از پرسشهای محلی معلوم شد که اغلب در اواخر زمستان از لحاظ ذخیره نفتی دچار مضیقه می شوند. علت این امر در درجه اول عدم امکانات وسیع مالی و سپس پیش بینی غلط مسئولین شرکت تعاونی است که مسلماً در آینده با افزایش سرمایه و تجارب مکتسبه بهبود خواهد یافت.

۵ - موارد مصرف

تپاله ماده اصلی و اولیه سوخت برای تهیه غذا و نان و ایجاد گرمادر فصل زمستان است. شکل و مصرف و نحوه استفاده تقریباً در سراسر منطقه یکسان می باشد. طبق یک سنت قدیمی کشاورزان هر روز فقط مصرف نان روزانه را تهیه می نمایند و حتی گاهی روزی دوبار این کار انجام می شود. بندرت بعضی از خانواده ها در مناطق شرقی هر دو روز یکبار به تهیه نان می پردازند. قبلاً در بحث مساکن روستائی به محل تنور برای فصول مختلف اشاری شده است. هر روز زنان روستائی قبل از طلوع خورشید آماده انجام کارهای روزانه می باشند. اولین اقدام آنان روشن کردن تنور است. ابتدا کف تنور مقداری شاخه و بوته علوفه خشک گذاشته و روی آن تعدادی آزاله می چینند، سپس با توجه به حجم تنور بر روی آنها تپاله قرار می دهند. اشتعال شاخه ها و بوته های خشک به شعله ور شدن آزاله کمک کرده و اشتعال این دو ماده، سرعت اشتعال تپاله را افزایش می دهد. برای گرم شدن تنور مدت زمانی لازم است که در آن فاصله کدبانوی خانه به کارهای دیگر از جمله تهیه چای و تغییر شکل فراورده های دامی پرداخته و در صورت احتیاج تپاله های دیگری به سوخت موجود اضافه می کند. تازمانیکه

تنور شعله‌ور است امکان پختن نان وجود ندارد، بنابراین هنگامیکه شعله به پایان می‌رسد تهیه نان شروع می‌شود. خمیر شب قبل در تغار آماده شده وور آمده به کنار تنور آورده می‌شود. چونه کردن خمیر و پهن کردن آن در کنار تنور انجام می‌گیرد و به‌طور معمول دو نفر مسئول تهیه نان خواهند بود. در موارد استثنای ممکن است تهیه نان فقط به عهده یک نفر باشد. پس از پایان کار اگر قرار باشد جهت نهار غذای گرم تهیه کنند، بلافاصله دیزی سفالی سرپوش‌داری که سواد اولیه آن قبلاً آماده شده در تنور قرار می‌دهند. تهیه نان بسته به فصول مختلف یا در تنور مال و یا در تنور سکو انجام می‌شود. هنگام زمستان پس از تهیه نان بلافاصله کرسی بر روی تنور قرار گرفته که تا صبح روز بعد از حرارت کافی برخوردار خواهد بود.

این برنامه هر روز تکرار می‌شود و چون روستائیان علاقه زیادی به نوشیدن چای دارند همیشه مقداری از آتش تنور را داخل منقلی ریخته و کتری و قوری چای بر روی آن قرار دارد. (در بیشتر مواقع سماور وقتی روشن می‌شود کسه سهمانی در منزل باشد و به همین دلیل جای سماور در دیواخان است). در ابتدای صبح که حرارت تنور بسیار زیاد است آنرا وسیله سرپوشی سفالی می‌پوشانند و به همان اندازه که حرارت رو به کاهش می‌رود سرپوش را از روی تنور عقب می‌کشند. در اواخر فصل بهار، در فصل تابستان و اوائل فصل پائیز محل تهیه نان، تنور روی سکو است که پس از خاتمه کار بلافاصله به دو دلیل همان سرپوش سفالی را بر روی آن قرار می‌دهند.

۱ - برای جلوگیری از سقوط طیور و دامهای کوچک به داخل تنور؛

۲ - برای ذخیره حرارت آتش تنور که مدت بیشتری مورد استفاده آنان باشد.

اغلب در بخش دیواندره شبانگاه در فضای آزاد زیر کرسی می‌خوابند و معتقدند که گرمای کرسی بیشتر و بهتر خستگی روزانه را رفع می‌نماید. اغلب پس از تهیه نان از آتش تنور برای گرم شدن دیواخان استفاده می‌کنند و در صورتیکه بخاری برای

مدتی طولانی روشن باشد از تپاله استفاده می‌شود. مورد مصرف دیگری که اغلب در دهات برای روستائیان پیش می‌آید و شاید هر ۱ یا ۲ سال یکبار تجدید میشود تهیه ظروف سفالی است، در این صورت مصالح سوختنی به‌طور کلی تپاله است. چند سالی است که به‌علت امکان دسترسی به نفت در بعضی از خانواده‌ها بخاری‌های نفتی در دیواخان جایگزین بخاری‌های چوبی سابق شده است ولی همچنان مصرف عمومی نفت بیشتر برای روشنائی است.

۶ - وسائل روشنائی

مواد اولیه روشنائی در روستاهای منطقه نفت است. مرسوم‌ترین وسیله چراغ های پایه دار بلوری یا فلزی (لامپا) و سپس چراغ دریائی است که اولی بیشتر برای روشنائی اطاقها و جای آن در مرکز اطاق است، زمستان روی کرسی و تابستان بر روی پایه‌ای متحرک قرار داده می‌شود و یا گاهی وسیله سیمی از سقف آویزان است.

چراغ دریائی را برای روشنی مسیر هیگام حرکت به کار می‌برند و مسورد مصرف آن بیشتر هنگام سرکشی شبانه به پناگاه دامها است. در سابق از چراغهای فیتله‌ای دسته‌دار استفاده می‌شد ولی فعلاً مورد استعمال آن بسیار کم شده است. به علت مرادده بیشتر روستائیان باشهرهای مجاور استفاده از چراغ قوه دستی مرسوم شده و مخصوصاً چون امکان تهیه باتری ازدکاکین روستا وجود دارد بیشتر جوانان در خانواده‌ها از آن استفاده می‌کنند اما مصرف آن در حال حاضر جنبه تفننی دارد.

برای پذیرائی از مهمانان از چراغهای توری استفاده می‌شود و بیشتر خانواده‌ها سعی دارند که حتماً یک چراغ طوری در منزل داشته باشند. در فصول گرم اغلب روی سکو بدون چراغ دورهم جمع می‌شوند و مخصوصاً شبهای مهتاب مطلقاً احتیاج به چراغ ندارند. در سراسر منطقه مورد تحقیق غیر از مراکز بخش‌ها و بعضی از مراکز دهستانها، در چند مورد مانکین سابق جهت مصرف شخصی موتورهای کوچک برق دارند و اغلب رشته‌ای چراغ به داخل روستا کشیده‌اند اما در هیچ موردی مشاهده نشد که منازل روستائی از چراغ برق استفاده کرده باشند. در روستاهائی کسه از

نزدیک بررسی شدند فقط در دو مورد استفاده از اجاق گاز مشاهده شد اما امکان توسعه آن وجود دارد. اگر اقداماتی جهت بهتر ساختن خطوط ارتباطی به عمل آید، نفوذ بسیاری از وسائل خانگی شهری در روستاها به سرعت امکان دارد.

زندگی اقتصادی

در مقدمه این نوشته قبلاً عوامل مساعد و نامساعد طبیعی منطقه در حدود امکان بررسی شده و سپس خصوصیات انسانی آن به طور اجمال مورد مطالعه قرار گرفته است. بنابراین با شناسایی عوامل پایه، وضع اقتصادی منطقه را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سعی خواهد شد، حدود موفقیت روستائیان، در برخورد با امکانات و مشکلات موجود روشن شود. اقتصاد روستائی منطقه مورد تحقیق متکسی به کشاورزی (زراعت و دامداری) و صنایع دستی است. هر یک از این فعالیتها با رعایت سنن موجود و امکانات طبیعی، ممکن است در محلی بیش از محل دیگر گسترش داشته باشد. لذا به خاطر دخالت هر یک از این فعالیتها در بهبود زندگی روستائسی جداگانه آنها را مورد مطالعه قرار می دهیم.

۱- اقتصاد کشاورزی

الف- زراعت و باغداری - در زراعت و باغداری صرف نظر از سطح معرفت روستائی، نوع مالکیت و نحوه استفاده از امکانات و وسائل فنی و در بهبود وضع کشاورزی، ۲ عامل اصلی زمین و آب دخالت تام دارند که در بخش طبیعی در سراسر منطقه مطالعه شده اند.

زمین - در منطقه مورد تحقیق با در نظر گرفتن پراکنندگی روستاها، غیر از مناطق کوهستانی با شیب های تند و سنگی و به استثنای چند ناهمواری محدود در ژئیسپهای اولیگو-میوسن (راه بیجار- زنجان در شمال قزل اوزن)، در مقاس منطقه ای هیچ محدودیتی از لحاظ استفاده از زمینهای قابل کشت و حاصلخیزی نسبی خاکها